



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلت علیهم الصلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

نیم نگاہی بہ

مدیریت و کار آفرینی

خدیجہ علیہا السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام

نویسنده:

علی کرمی فریدنی

ناشر چاپی:

نسیم انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام	۸
مشخصات کتاب	۸
نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام (تفصیلی)	۸
مشخصات کتاب	۸
[مقدمه]	۸
[الف:] نگاهی کوتاه به [اصول و ارکان مدیریت و فرماندهی]	۸
اشاره	۸
[اصول و ارکان مدیریت]	۱۰
[ب:] نگاهی به اندیشه و منش مترقی خدیجه علیها السلام	۱۰
اشاره	۱۰
برترین زنان روزگاران	۱۲
اشاره	۱۲
[۱- آسیه علیها السلام همسر نواندیش و عدالت‌خواه فرعون مصر] مدافع حقوق کودک و کرامت بشر	۱۲
[۲- مریم علیها السلام]	۱۳
[۳- خدیجه علیها السلام] شریک دغدغه‌های پیامبر توحید و تقوا	۱۳
[۴- فاطمه علیها السلام] سالار زنان عصرها و نسل‌ها	۱۳
راز اوج این زنان تاریخ ساز	۱۴
اشاره	۱۴
راز گزینش خدیجه علیها السلام به عنوان برترین زن تاریخ	۱۴
راز برگزیدگی خدیجه علیها السلام در آینده‌ی حدیث و تاریخ	۱۵
[ج:] پرتوی از مدیریت اقتصادی و کارآفرینی خدیجه علیه السلام	۱۷
اشاره	۱۷

- ۱/۳. دختری اندیشمند و صاحب اعتبار و امکانات ۱۷
- ۲/۳. در مدیریت اقتصادی ۱۷
- ۳/۳. اصل ایجاد انگیزه در مدیریت ۱۸
- ۴/۳. اصل نظارت و کنترل در مدیریت ۱۸
- ۵/۳. شناخت زمان و مکان و شرایط بازار در پرتو آگاهی و مشاوره ۱۸
- ۶/۳. رعایت اصل پاک‌روشی و پاک‌منشی در مدیریت اقتصادی ۲۰
- ۷/۳. جلب اعتماد بازارهای داخلی و منطقه‌ای ۲۱
- ۸/۳. آفرینش و امضای قراردادهای ابتکاری و متنوع ۲۱
- ۹/۳. کارآفرینی با معنویت و بشردوست ۲۱
- ۱۰/۳. کوشا و پرتلاش در راه تربیت و سازندگی نزدیکان ۲۲
- آثار چاپ شده‌ی استاد اندیشمند علی کرمی فریدنی ۲۳
- [مراکز تهیه کتب مولف] ۲۴
- مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام (اجمالی) ۲۴
- مشخصات کتاب ۲۴
- چکیده ۲۵
- [بحث‌های در خور طرح] ۲۶
- اشاره ۲۶
۱. اصول و ارکان مدیریت ۲۶
۲. نگاهی به اندیشه و منش مترقی خدیجه علیها السلام ۲۶
- اشاره ۲۶
- برترین زنان روزگاران ۲۷
- اشاره ۲۷
- [۱- آسیه همسر نواندیش و عدالت‌خواه فرعون مصر] ۲۷
- [۲- مریم علیها السلام] ۲۸

- ۲۸ [۳- خدیجه علیها السلام]
- ۲۸ [۴- فاطمه علیها السلام]
- ۲۹ ۳. نیم‌نگاهی به مدیریت اقتصادی و کارآفرینی او
- ۲۹ اشاره
- ۲۹ [ویژگیهای حضرت خدیجه سلام الله علیها]
- ۳۱ پی‌نوشتها
- ۳۵ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام

مشخصات کتاب

استاد علی کرمی فریدنی نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام نویسنده: استاد علی کرمی فریدنی ناشر: نسیم انتظار طرح جلد: احسان کرمی * شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه صفحات: ۵۶ صفحه نوبت چاپ: اول چاپ: ولی عصر قطع: رقعی تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۸۹ بها: ۸۵۰ تومان همه‌ی حقوق برای نویسنده محفوظ است شابک: ۳-۱۷-۸۵۵۳-۹۶۴-۳۵۵۸-۴۶۹-ISBN: ۷۱-۳ مرکز پخش: قم سالاریه - خیابان نسترن - کوچه‌ی یاس - پلاک ۴۱ - تلفن: ۲۹۲۳۶۷۲ - ۰۲۵۱ همراه ۰۹۱۲۲۵۱۹۱۶۳

نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام (تفصیلی)

مشخصات کتاب

استاد علی کرمی فریدنی نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام نویسنده: استاد علی کرمی فریدنی ناشر: نسیم انتظار طرح جلد: احسان کرمی * شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه صفحات: ۵۶ صفحه نوبت چاپ: اول چاپ: ولی عصر قطع: رقعی تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۸۹ بها: ۸۵۰ تومان همه‌ی حقوق برای نویسنده محفوظ است شابک: ۳-۱۷-۸۵۵۳-۹۶۴-۳۵۵۸-۴۶۹-ISBN: ۷۱-۳ مرکز پخش: قم سالاریه - خیابان نسترن - کوچه‌ی یاس - پلاک ۴۱ - تلفن: ۲۹۲۳۶۷۲ - ۰۲۵۱ همراه ۰۹۱۲۲۵۱۹۱۶۳

[مقدمه]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ دانش و هنر مدیریت و کارآفرینی همایش انجمن زنان مدیر کارآفرین را - که گامی است مدنی و متمدنانه و ارزشمند در راه رشد و شکوفایی جامعه و استقلال و امنیت و برابری و تأمین حقوق و کرامت انسان، بر همه‌ی نواندیشان و کمال‌جویان به ویژه شما بانوان آگاه و پرتلاش و حقجو و و معنویت‌خواه و با تدبیر ایران عزیز تبریک عرض می‌کنم، و در این راه دشوار، امیا ارزشمند و زندگی‌ساز، با همه‌ی وجود برایتان آرزوی موفقیت و پیشرفت می‌نمایم؛ و از بارگاه خدای داد‌گر و داد‌گستر، روز و روزگاری را خواهانیم که زن و مرد و پیر و جوان و کودک و کهنسال جامعه‌ی ما - که به بیان زیبای امام علی، یکسره برادر و خواهر دینی و نوعی و دارای حقوق و کرامت و حرمت انسانی برابر (۱) هستند - از امکان اشتغال آبرومندانه و درآمد کافی و امنیت فکری و شغلی و اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی و معنوی - که از طبعی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی و اساسی‌ترین حقوق بشر است - بهره‌ور گردند و بدون دغدغه‌ی نان و جان، در راه سرفرازی خود و جامعه و جهان خود بکوشند. در این نشست علمی و فرهنگی و مذهبی سه بحث در خور طرح است: الف. نگاهی کوتاه به اصول و ارکان مدیریت و فرماندهی؛ ب. نگاهی به اندیشه و منش و ویژگی‌های بزرگ بانوی خردمند و نواندیش حجاز، خدیجه علیها السلام که از پیشتازترین زنان در مدیریت و مهندسی اجتماعی و اقتصادی و کارآفرینی بود؛ همانسان که در معنویت و اخلاق و ایمان و آزادگی و آزادیخواهی و دیگر ارزش‌های انسانی به صورت سیمایی پیشتاز و نمونه‌ای درخشان جلوه کرد. ج. پرتوی از مدیریت اقتصادی و تجاری و کارآفرینی بانوی آزادی و معنویت در آن جامعه و محیط و دنیای بسته و تاریک.

[الف: نگاهی کوتاه به] اصول و ارکان مدیریت و فرماندهی

شاید در گذر زمان، هیچ روزگاری به اندازه‌ی جهان معاصر، بر سر مفاهیم بحث و گفتگو نبوده و وصف و تعریف‌های متنوع در مورد هر موضوعی ارائه نشده است، به گونه‌ای که گویی اندیشمندان و صاحب‌نظران، با هم پیمان بسته‌اند که در وصف و تعریف هیچ موضوع مهم و حسّاسی، اتفاق نظر و دیدگاه هماهنگ نداشته باشند و برای هر مفهومی ده‌ها و گاه صدها تعریف متفاوت و گاه متناقض ارائه دهند. موضوع مورد بحث ما در این نشست و این فرصت نیز - که مفهوم مدیریت و ساماندهی است - یکی از همان مفاهیم پرماجرا و پرمناقشه است که به دلایل گوناگون، از جمله، هدف‌ها و غرض‌های سیاسی و اقتصادی و مذهبی، به سرنوشتی گرفتار آمده است که گویی تعریف درست و دقیق برای آن بسیار دشوار و پیچیده است، (۲) اما ما در آغاز این سخن به تعریفی که از میان تعاریف برگزیده‌ایم، بسنده می‌کنیم و با اندک شرح و توضیح آن، به سراغ اصل بحث می‌رویم: مدیریت عبارت است از دانش و هنر برنامه‌ریزی، ایجاد تشکل و هماهنگی و قدرت رهبری و کنترل تلاش‌های گوناگون به منظور رسیدن به هدفی معلوم و مقرر. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های دانشکده‌ی علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، مدیریت را این‌سان تعریف می‌کند: مدیریت، عبارت از دانش و هنر برنامه‌ریزی، ایجاد تشکل و هماهنگی و قدرت رهبری و کنترل تلاش‌های گوناگون به منظور رسیدن به هدفی معلوم است. (۳) واژه‌ی «مدیر» در لغت به معنای اداره کننده، و به کسی که کاری را اداره می‌کند تعبیر شده، و واژه‌ی تدبیر و اداره کردن نیز به معنای کارگردانی، نظام بخشیدن به کارها و ساماندهی شئون آمده است، و واژه‌ی «مدیریت» نیز به معنای کارگردانی و گرداندگی است. در فرهنگ‌های واژه‌شناسی، مدیریت به معنای «مدیر بودن» نیز آمده است؛ (۴) امّا در اصطلاح به انجام کارها به وسیله دیگران و از راه به کارگیری دیگران یا به معنای کار کردن با مردم و در میان مردم و برای مردم تعبیر می‌شود. منظور از این وصف و تعریف این است که هیچ نهاد اجتماعی بدون در نظر گرفتن مردم و نیازهای آنان و بدون آنکه به راستی برای مردم باشد، تأسیس نمی‌شود، پس سیستم و یا نهادی که برای خدمت به انسان‌ها نباشد، وجودش مورد پرسش خواهد بود، (۵) به همین جهت مدیر باید با افرادی که در درون و یا برون سازمان و تشکیلات هستند، همراه و همگام باشد. او نمی‌تواند و نباید با آنانی که کار می‌کنند، خواه کارمندان و کارگزاران و یا مردم، که سازمان برای آنان تشکیل شده است، ناهماهنگ و در جهت عکس منافع و آرزو و آرمان آنان باشد. مدیر میان مردم زندگی می‌کند و در جمع افراد سازمان عضویت دارد، منظور از عضویت این است که او یکی از اعضای جامعه است و دیگران او را یکی از خودشان به حساب می‌آورند. با نگاهی دقیق به زندگی الهام‌بخش پیامبر، درمی‌یابیم که آن حضرت پیش از انگیزش و دوران بعثت در میان مردم بود و همه جا عضو اثرگذار گروه و جامعه به شمار می‌رفت، و با همه‌ی بزرگی و شکوهی که داشت می‌فرمود: من کسی جز یکی از شما نیستم؛ «مَا أَنَا إِلَّا كَوَاحِدٍ مِنْكُمْ». روشن است که برای مردم بودن، به مفهوم در خدمت مردم و خدمتگزار راستین آنها بودن است. اگر مدیر، قدر و اعتباری دارد، فقط به خاطر خدمت به مردم است، به مصداق این بیان که: «رَأَيْسُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ» مدیر در همه‌ی شرایط و در هر فراز و نشیبی باید انگیزه و نیت خدمت به انسان‌ها را داشته باشد، خواه مردم قلمرو مدیریت او از همکاران و هواخواهان او باشند یا منتقدان به او و روش مدیریت او. «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللُّطْفَ بِهِمْ... فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (... ۶) او باید هماره بکوشد تا مشکلات آنان را حل نماید. حل مشکلات و رسیدگی به امور مردم، هم شامل افراد داخل سازمان یعنی کارکنان و نزدیکان می‌گردد و هم شامل افراد خارج از سازمان، یعنی مردم. مهم‌تر از آنچه از بایسته‌هایی که برای مدیر و مدیریت گفته شد، افزون بر همه‌ی مفاهیم بیان شده در تعریف فوق، این است که بگوییم، همه‌ی کارهای مدیر و مدیریت اگر برای فراهم آوردن خشنودی خدا و در جهت آسایش و رضایت مردم باشد، دارای ارزش است و بدون آن نه تنها فاقد گوهر حقیقت و دادگری است که گناهی است سهمگین و خیانت به زمین و زمان و حرث و نسل. (۷) اما در این میان مدیریت اگر با وصف و ویژگی اسلامی عنوان شد، افزون بر تخصص و مهارت علمی و تجربی و داشتن برنامه‌ی دقیق و سنجیده، باید به معنویت و اخلاق و راستی و الگو شدن در منش و رفتار و ظرافت‌های دیگر نیز آراسته شود؛ چراکه هدف در

مدیریت اسلامی، فراهم آوردن خشنودی خدا و آسایش و آرامش و خشنودی مردم است و نه ناخشنود و گریزان ساختن آنان با ابزار ساختن همه چیز. (۸) آری، در این نوع از مدیریت، باید همه‌ی کارها به خاطر خدا و در جهت مردم و رسیدن به خشنودی خدا و مردم و با راستی و درستی و دادگری و مهر و اقناع مردم انجام شود و هر حرکتی باید در این جهت باشد؛ چراکه مشروعیت کارها و ارزشمندی روش‌ها و اهداف سازمانی در مدیریت اسلامی، در گرو عادلانه و درست و مردمی بودن و در هر لحظه‌ای به همراه داشتن خشنودی و رأی آزادانه‌ی آنان است. انسان‌ها مهم‌ترین عامل هر سازمان و نظامی هستند و اگر قرار باشد مدیریت موفق شود، موفقیت او از طریق همراهی و همکاری و خشنودی و اقناع انسان‌ها حاصل می‌گردد و نه روش‌های ابلیسی و استبدادی....»

أَلَمْآ وَ إِنِّ مُعَاوِيَةَ قَهَادَ لَكُمْ مِّنَ الْغَوَاةِ وَ عَمَّسَ عَلَيْهِمُ الْخَبَرُ حَتَّى جَعَلُوا نُحُورَهُمْ أَغْرَاضَ الْمَنِيَةِ» (۹) باین بیان، اخلاق مدیریت عبارت است از: ویژگی‌هایی که انجام کار را از طریق دیگران میسر می‌سازد و با این ویژگی‌هاست که انسان می‌تواند دانش مدیریت را به کار بندد و به هنر مدیریت آراسته گردد. (۱۰) بر این باور، در هر مدیریت مرقی، ارکان و اصولی ضروری است که با ضعف یا فقدان هریک از آنها، آن جامعه یا آن سازمان و تشکیلات، نه تنها به هدف‌های مقرر خود نخواهد رسید که باعث سردرگمی، ضایعات و تلفات و عقب‌ماندگی و در نهایت فروپاشی خواهد شد.

[اصول و ارکان مدیریت]

این اصول و ارکان عبارتند از: ۱. برنامه‌ریزی، که هدف یا هدف‌های تشکیلات و تهیه‌ی برنامه‌ی کار و نقشه و چگونگی رسیدن به هدف را نشان می‌دهد. ۲. پس از آماده‌شدن برنامه، اصل سازماندهی - که عبارت از یگانه‌سازی و جهت‌دهی و به کارگیری نیروی انسانی، مالی و وسایل و تجهیزات برای رسیدن به هدف مقرر، در قالب بهترین روش و اثرگذارترین شیوه است - ضرورت می‌یابد. ۳. همراه دو اصل برنامه‌ریزی و سازماندهی، ایجاد انگیزه و شور و شوق در همکاران و کارکنان برای چگونگی عملکرد و حرکت به سوی هدف مقرر، ضرورت می‌یابد، چراکه میزان انگیزه و عملکرد آنان روشن می‌سازد که رسیدن به هدف یا هدف‌های ترسیم شده چه قدر، و در چه زمان و در چه کیفیتی خواهد بود. آنان ممکن است با ۹۰ درصد دقت و مهارت و دلسوزی و توانایی خود، یا با ۲۰ درصد از آنها کار کنند. پس، ایجاد انگیزه و شور و شوق و تعمیق آن در کارکنان، در مدیریت و فرماندهی کارکردی بی‌نهایت مهم و حیاتی است. به همین جهت مدیریت و مهندسی مرقی و ماهر، یا منحط و عقب افتاده هر کدام به سبک خود برای ایجاد انگیزه و آفرینش شور و شوق تلاش می‌کنند. برخی با برقرار ساختن ارتباط آزادمنشانه، رهبری درست کارها، همراهی و همدلی مستقیم یا غیر مستقیم با نیروهای انجام‌رسان کار، مسئولیت‌پذیری و محاسبه، ایجاد مشارکت و پاداش و توبیخ سنجیده، در بالا بردن انگیزه می‌کوشند و برخی با ارباب و خشونت و شیوه‌های پلیسی و منحط‌تر از آن. ۴. و همراه سه اصل برنامه‌ریزی، سازماندهی، و ایجاد انگیزه در کارکنان، اصل مهم دیگر در مدیریت موفق و مرقی، اصل محاسبه و کنترل می‌باشد، که عبارت است از توجه جدی به رهاورد کار، و مقایسه‌ی پی‌گیر کارهای انجام شده با برنامه‌ها و اعمال و اجرای اصلاحات لازم در لغزش‌ها و اشتباهات و انحرافات که در انتظارات و هدف‌ها پیش آمده است.

[ب:] نگاهی به اندیشه و منش مرقی خدیجه علیها السلام

اشاره

پیامبر گرامی - که به گواهی قرآن، دقیق و سنجیده و بدون گزافه و کاستی، وصف و نقد می‌کرد - در سخنی کوتاه فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا: مَرْيَمَ وَ آسِيَةَ وَ خَدِيجَةَ وَ فَاطِمَةَ» (۱۱) خدای فرزانه از میان زنان نواندیش و مدیر و تاریخساز، چهار زن را

برگزید و الگو و نمونه‌ی درخشان تاریخ زن و مرد قرار داد. اینان عبارتند از: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه علیها السلام. و نیز هنگامی که به مناسبتی از خدیجه علیها السلام سخن به میان آمد، فرمود: «خَدِيجَةُ وَأَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةٍ؟ صَدَقْتَنِي حِينَ كَذَبَنِي النَّاسُ، وَ أَوَزَّتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ، وَأَعَانَتَنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا» (... ۱۲) از «خدیجه» سخن گفتید؟ کجا همانند آن بانوی خرد و پروا پیدا می‌شود؟ او بود که در آن شرایط بحرانی - که مردم در دعوت توحیدی و آزادیخواهانه‌ی من، مرا دروغگو می‌انگاشتند - با شهادت و ابتکار و راستی و درستی مرا در دعوت و در زندگی‌ام گواهی کرد، در راه دین خدا و پیشرفت آن، بار گران وزارت و یاری و همراهی مرا با درایت و توانمندی به دوش کشید، و با دارایی هنگفت خویش مرا در راه هدف‌های خدایی و انسانی مدد رساند، و آن‌گاه خدا به من فرمان داد که به او بشارت دهم که به پاس رنج و تلاش و مدیریت و فداکاری‌هایش، خدا در بهشت پرتراوت و زیبا، خانه‌ای از گوهری گرانها برای او ساخته است؛ خانه‌ی پرشکوه و وصف‌ناپذیری که در آن، نه ناآرامی و هیاهویی خواهد بود و نه رنج و دردی. و نیز فرمود: «أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سَيَدَاتُ عَالَمِهِنَّ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ» (... ۱۳) چهار زن نواندیش و ستم‌ستیز و عدالت‌خواه در زندگی خویش به گونه‌ای با درایت و شهادت درخشیدند که سالار زنان روزگار شدند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه ... و نیز فرمود: «اشْتَاقَتِ الْجَنَّةُ إِلَى أَرْبَعٍ مِنَ النِّسَاءِ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، وَ زَوْجَةُ فِرْعَوْنَ وَ هِيَ زَوْجَةُ النَّبِيِّ فِي الْجَنَّةِ، وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ زَوْجَةُ النَّبِيِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ» (۱۴) بهشت زیبای خدا در شور و شوق چهار بانوی با معنویت و آزادیخواه است، که عبارتند از: «مریم»، دختر پاک منش عمران؛ «آسیه»، دختر ستم‌ستیز «مزاحم» و همسر استبدادگر عصر موسی، فرعون که در بهشت به همنشینی پیامبر مفتخر خواهد شد؛ «خدیجه»، دخت نواندیش و کمال‌جوی حجاز، که در این جهان و جهان دیگر همسر و همراه پیامبر است؛ و دیگر فاطمه، دخت سرفراز محمد صلی الله علیه و آله. و نیز فرمود: «فَضَّلْتُ خَدِيجَةَ عَلَى نِسَاءِ أُمَّتِي كَمَا فَضَّلْتُ مَرْيَمَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (۱۵) همان‌گونه که مریم بر زنان جهان برتری داده شد، خدیجه نیز بر زنان جامعه و امت من برتری داده شد. و نیز «طبرسی» مفسر بزرگ قرآن آورده است که فرمود: «كُمِّلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَرْبَعٌ: أَسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، إِمْرَأَةُ فِرْعَوْنَ، وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ خَدِيجَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ» (۱۶) بسیاری از مردم در زندگی به سوی کمال اوج گرفتند، اما از میان زنان، این چهار زن، نمونه‌ی رشد و اوج و سرمشق کمال و نواندیشی و آزادیخواهی هستند: آسیه، مریم، خدیجه و فاطمه. و نویسندگی تفسیر «قرطبی» آورده است که فرمود: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ» (۱۷) برترین و پرفضیلت‌ترین زنان بهشت اینانند: خدیجه، فاطمه، آسیه و مریم. و نیز آورده‌اند که پیامبر خطاب به آن بانوی معنویت و کمال فرمود: «يَا خَدِيجَةُ! أَنْتِ خَيْرُ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَفْضَلُهُنَّ، وَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (۱۸) هان ای خدیجه! تو بهترین مادر توحیدگرایان و آزادیخواهان و برترین آنان هستی، و تو سالار زنان گیتی می‌باشی. و باز روایات رسیده بیانگر آن است که پیامبر گرامی به هنگام دریافت دستور خدا برای انجام یک برنامه‌ی چهار شبانه‌روزی پرستش و نیایش، به یار زندگی‌اش پیام فرستاد که: «فَلَا تَطْنِي يَا خَدِيجَةُ إِلَّا خَيْرًا، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِيَاهِي بِكَ كَرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مَرَارًا» (۱۹) ای خدیجه! هرگز چنین مپنداری که دوری گزیدن من از خانه برای یک برنامه‌ی ویژه‌ی عبادی و عرفانی، به خاطر کدورت از خانه و خانواده است؛ نه، بلکه حقیقت این است که پروردگارم مرا به این کار فرمان داده است، و من تنها به انجام دستور می‌اندیشم و بس؛ از این رو این دوری گزیدن را جز به نیکی و خیر مپندار، چرا که خداوند هر روز چندین مرتبه به وجود شایسته‌ی تو بر فرشتگان گرانمایه‌اش مباحثات می‌کند. و نیز آورده‌اند که فرمود: فرشته‌ی وحی نزد من آمد و گفت: هان ای پیامبر خدا! این خدیجه است که بنده‌ی پر اخلاص بارگاه خداست. هنگامی که نزد آمد، سلام پرودگارت را به او برسان و به او مژده ده که در بهشت پرتراوت و زیبای خدا، سرایی شکوه بار در درون گوهری بزرگ و ناب برای او آماده است؛ سرایی که هیچ رنج و ناآرامی در آن نخواهد بود؛ «فَاقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا وَ مِنِّي وَ بَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ وَ لَا نَضَبَ». (۲۰) تفسیر

و تحلیل رشد و اوج این بانوان نامدار در جامعه‌های پیشرفته به خاطر ایجاد انگیزه و ترغیب مردم به فراگیری دانش و بینش و هنر و تخصص و مبارزه در راه حقوق و آزادی دیگران و نهادینه ساختن این ارزش‌های والای انسانی و جهانی، برخی را با معیارهایی سنجیده، به عنوان برترین‌ها برمی‌گزینند و از تلاش و مبارزه‌ی سترگ آنان تجلیل می‌کنند، و برابر این روایت درس‌آموز، آفریدگار انسان این زنان اندیشمند و با معنویت و تاریخ‌ساز را به عنوان برترین‌ها در درایت و مدیریت و دانش و پروا و آراستگی به معنویت و اخلاق برگزید. تحلیل رشد و اوج این بانوان نامدار و تاریخ‌ساز در گرو این حقیقت است که به خاطر داشته باشیم که سرشت بشر از دو بُعد تشکیل شده است: بُعد حیوانی و بُعد انسانی. زن بودن و مرد بودن وی، از بُعد حیوانی بشر ریشه می‌گیرد. بُعد انسانی انسان، زن و مرد ندارد و برتر از این دو می‌باشد. عقل و خرد، نواندیشی و نوگرایی، داد و دهش، جود و کرم، عفو و گذشت، حلم و بردباری، رادی و شکیب، وفا و صفا، آینده‌نگری و قابلیت نامتناهی برای تکامل و درایت و مدیریت از ویژگی‌های انسانی انسان است و نه از بُعد حیوانی انسان. اگر فردی از بشر بتواند با مدیریت درست علمی و عملی، بُعد انسانی خود را در زندگی داور و مدیر قرار دهد و بُعد حیوانی خود را فرمانبردار آن سازد، و در دنیای پر اسرار وجود خود، تعادل و توازن ایجاد کند و از بلای افراط و تفریط برهد، انسانی کامل خواهد بود، چراکه او در حقیقت وجود خویشتن را حیوان زدایی کرده و به کمال آراسته است. در آن صورت است که اگر زن باشد بالاتر از زنان و مردان و اگر مرد باشد، برتر از مردان و زنان خواهد شد. انسان، انسان است، نه زن است و نه مرد، چنانچه فرشته، فرشته است نه زن است و نه مرد و انسان کامل از فرشته برتر است؛ چراکه انسان کامل و شکوفا و ادب آموخته، از دنیای وجود و رفتار خود حیوان زدایی کرده است، اما فرشته، دارای این فضیلت و درایت نیست.

برترین زنان روزگاران

اشاره

قرآن و روایات رسیده بیانگر این حقیقت است که در تاریخ بشر، زنانی چند با درایت و مدیریت شایسته‌ی دنیای وجود خویش و بهره‌وری درست و سنجیده از فرصت‌ها و امکانات روزگار خویش و مدیریت بهینه آنها و سبک سنجیده‌ی رویارویی با موانع و خطرات، به پر فرازترین مقام انسانی اوج گرفته‌اند، و نه تنها برترین زنان که برترین انسان‌های روزگاران شده‌اند؛ همان‌گونه که مردانی این راه دشوار را پیموده و به پر فرازترین قله‌ی معنویت و کمال و منش مرقی انسانی اوج گرفته‌اند؛ «كَمُلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَرْبَعٌ» (۲۱)

[۱- آسیه علیها السلام همسر نواندیش و عدالت‌خواه فرعون مصر] مدافع حقوق کودک و کرامت بشر

نخستین این زنان کمال‌جو و آزادیخواه و استبداد ناپذیر، آسیه همسر نواندیش و عدالت‌خواه فرعون مصر بود، که با دفاع از حق حیات و زندگی موسای کلیم، راه را برای نجات و سعادت و پیشرفت بشر، در آن فضای تیره و تاریک حاکمیت استبداد و اختناق و فریب و بهره‌وری ابزاری فرعون از آیین و وطن را گشود و با مراقبت و نگهداری دلسوزانه و دلیرانه از کودک بی‌پناه نیل و حمایت از حقوق کودک، خدمتی بزرگ و وصف‌ناپذیر به آیندگان کرد، و به صورت الگوی ستم‌ناپذیران و حق‌طلبان و مدافعان راه آزادی و حقوق کودک و کرامت بشر در تابلو قرآن برای همیشه درخشیدن آغاز نمود: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (۲۲) و خدا برای کسانی که ایمان آورده‌اند، نمونه‌ای آورده است؛ زن فرعون را آن‌گاه که گفت: پروردگارا! برای من در بارگاه خود، در بهشت [پر نعمت و زیبا] خانه‌ای بساز و مرا از [بیداد] فرعون و کردار او برهان، و مرا از دست مردم ستمکار نجات بخش.

[۲- مریم علیها السلام]

پا به پای مسیح برای مهر و مدارا دَومین آنان مریم بود، که عیسای مسیح را در آن شرایط دشوار تاریخ بشر، به همراه آیین صلح و بهروزی و روش دل‌انگیز مهر و مدارا و مردم‌نوازی، بسان نسیمی جانبخش در آن توفان بی‌مهری‌ها و بیدادها و تندخویی‌ها، به جهان خشن و تندخوی بشریت استبدادزده و در اسارت جهل و جنون استبدادگران و انحصارگران تقدیم داشت، و پا به پای او به تلاش فکری و فرهنگی و اخلاقی و روشنگری و الگودهی همت گماشت تا مسیر تاریخ را از ریل انحطاط و بدبختی و خشونت بی‌حاصل و ویرانگر، به ریل مهر و محبت و رشد و بهروزی و خردورزی و بشر دوستی و صلح و آزادی هدایت کند. «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُ الْإِسْلَامِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّعَالَمِينَ» (۲۳) و [نیز خدا برای کسانی که ایمان آورده‌اند] مریم، دختر عمران را، [نمونه‌ای آورده است؛] همان کسی که دامن [خود] را [پاک] نگاه داشت، و در او از روح خود دمیدیم، و سخنان پروردگارش و کتابهای او را تصدیق نمود و [هماره] از فرمانبرداران بود.

[۳- خدیجه علیها السلام] شریک دغدغه‌های پیامبر توحید و تقوا

سومین زن تاریخ ساز و معنویت پرداز، در زبان و فرهنگ اسلام و پیامبر، بانوی خردمند و آگاه و نواندیش و پروا پیشه‌ی حجاز، خدیجه علیها السلام بود. او با درایت و مدیریت و انتخاب هوشمندانه و شایسته‌ی راه زندگی در آن جامعه و فضای بسته و عقب مانده، (۲۴) یار پرمهر و پشتیبان پر اعتبار و پر معنویت محمد صلی الله علیه و آله شد و شریک دغدغه‌های او در کار سترگ دعوت جامعه و مردم به توحید و تقوا و معنویت و اخلاق و آزادی و آزادگی گردید، و با زبان رسا و منش مترقی و رفتار و برنامه‌ریزی زیبا در این راه نمونه شد. امیرمؤمنان در مورد نواندیشی و پیشتازی او فرمود: «وَلَقَدْ كَانَ يَجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِحِزَاءِ فَأَرَاهُ، وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي. وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يُؤْمِدُ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَخَدِيجَةُ وَأَنَا ثَالِثُهُمَا» (۲۵) پیامبر چند ماه از سال را در غار «حِزَاء» در نزدیکی مکه می‌گذرانید. در آنجا تنها من او را می‌دیدم و کسی جز من او را نمی‌دید. در آن روزها در هیچ خانه‌ای جز خانه‌ی پیامبر - که بزرگ بانوی آزادی و معنویت خدیجه هم در آنجا بود - اسلام و ایمان و نور آزادی و عدالت راه نیافته بود، و من در آن شرایط دشوار سومین آن دو انسان بزرگ‌منش و تاریخ‌ساز بودم که در راه تحول مطلوب و ساختن جامعه و دنیایی نو در تلاش و تکاپو بودند. (۲۶)

[۴- فاطمه علیها السلام] سالار زنان عصرها و نسل‌ها

و چهارمین این زنان پرشکوه و بزرگ‌منش، فاطمه علیها السلام دخت سرفراز همین مادر پرشکوه و با معنویت بود که از زبان سنجیده‌گوی پیامبر، عنوان پر افتخار سالار زنان عصرها و نسل‌ها را در میدان‌های گوناگون زندگی، لقب گرفت. پیامبر او را مخاطب ساخت و در بزرگداشت درایت و مدیریت و ایمان و پروای او فرمود: «يَا فَاطِمَةُ! أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ؟» (۲۷) فاطمه جان! آیا نمی‌خواهی سالار بانوان گیتی باشی؟ آیا نمی‌خواهی سالار بانوان امت باشی؟ آیا نمی‌خواهی سالار بانوان با ایمان باشی؟ و نیز در حق‌شناسی از شکوه و شکوفایی خرد و معنویت او، هشدار داد که ...: «فَمَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا، وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي، هِيَ قَلْبِي وَرُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَبْتِي، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ» هان ای مردم! هر کس فاطمه را شناخت که شناخته است و هر که او را نشناخته است، به هوش باشد که او پاره‌ی وجود من، قلب من، و روح من است. هر کس او را بیازارد، در حقیقت مرا آزرده است، و هر کس مرا بیازارد، در حقیقت

خدای را آزرده است.

راز اوج این زنان تاریخ ساز

اشاره

هر یک از این چهار بانوی نامدار، حقوقی بس بزرگ بر فرهنگ و تمدن و رشد و پیشرفت انسانی دارند؛ چرا که در استوار کردن راه آزادی و آزادگی و عدالت و سعادت و کمال و اوج بشر تلاشی سترگ نموده و نقشی سرنوشت‌ساز داشته و هنوز هم دارند. اسناد و مدارک معتبر تفسیری و حدیثی و تاریخی نشانگر آن است که این زنان افتخار آفرین، نخست دنیای وجود خویشان را به صورت اندیشمندانه و مرقی مدیریت کردند و با خودیابی و خودشناسی و خودسازی و مبارزه‌ی دلیرانه و سنجیده با موانع رشد و کمال، به خودشکوفایی اوج گرفتند، و آن‌گاه توانستند جامعه و جهان استبداد زده و در بند جهل و خرافه و در اسارت تعصب و خشونت را به سوی سعادت و نجات و رشد و شکوفایی و مهر و مدارا و اخلاق و معنویت، مدیریت کنند و در پیکار سرنوشت، همراهی و همگامی برترین پیامبران و اصلاحگران و خردسازان و آزادیخواهان را برگزینند. آنان هر کدام انسانی توانمند و آزادیخواه، آزادمش و خداجو، استبدادستیز و آراسته‌ی به خرد و کمال بودند که نه تنها در روزگار خویش، نقش والا و سرنوشت‌سازی در نجات و سرفرازی مردم خویش ایفا نمودند، که چراغ فروزانی فرراه آیندگان شدند و اخلاق و منش مرقی را به بشریت هدیه کردند، به گونه‌ای که هم اینک نیز جهان و جهانیان، آنان را سمبل راستی و وفاداری و نیک‌اندیشی و مدیریت و مدارا و اخلاق و معنویت و آزادگی و آزادیخواهی می‌نگرند و برنامه و کتاب و راه و رسم آنان را می‌ستایند، و هر بام و شام، نام بلند و جاودانه‌ی آنان را بر پرفرازترین مأذنه‌ها و مناره‌های گیتی به شکوه و عظمت طنین افکن می‌سازند و از خدای آنان و روح بزرگ و بشردوست آنان قوت قلب می‌جویند.

راز گزینش خدیجه علیها السلام به عنوان برترین زن تاریخ

دقت در اسناد روایی و تاریخی معتبر، معیار برتری و راز گزینش خدیجه به عنوان برترین زن تاریخ را این‌سان نشان می‌دهد: ۱. تواندیشی و نوگرایی او در آن جامعه و شرایط عقب مانده و تاریک‌اندیش و غرق در تعصب و خشونت روزگار خویش. ۲. خردمندی و خردورزی و هوشمندی و درایت او، در آن حال و هوایی که مدیریت جان‌ها و جامعه‌ها، به جای خردها و وجدان‌ها، در دست کشش‌ها و تمایلات سرکش بود. ۳. قدرت سنجش و مقایسه و بهترین انتخاب در سه محور حساس، همچون: دین و آیین یا راه زندگی، گزینش شریک زندگی، (۲۸) هزینه نمودن آن ثروت هنگفت، آن هم در آن محیط و دنیایی که دنباله‌روی از بت‌نیاکان و زورمداران و آداب و رسوم رایج و غالب، نه تنها وظیفه که ملاک برتری و جواز ادامه‌ی حیات هم بود. ۴. عدالت طلبی، آزادی‌خواهی، حق‌جویی، برابری‌خواهی و مبارزه‌ی با ظلم و برتری‌جویی و نژادپرستی. ۵. پاک‌روشی و پاک‌منشی، در آن شرایط تیره و تاریک، فروپاشی ارزش‌های انسانی. (۲۹) ۶. استقلال در اندیشه و عمل و موضع‌گیری شجاعانه به سود حق و عدالت و آزادی، در پیکار استبداد و آزادی. ۷. همراهی و هم‌زمی با پیامبر و مفتخر شدن به مقام مشاور، وزیر شایسته و کارآمد او. (۳۰) ۸. نفوذ، اعتبار، امکانات و خانه‌ی خویش را به فروزشگاه دین و آیین و پناهگاه پیامبر و مردم خداجو و حق‌طلب و آزادیخواه و بی‌پناه تبدیل ساختن، و پای این کار سترگ، دلیرانه مقاومت و ایثار نمودن. ۹. قدرت شگرف مدیریت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و تجاری. ۱۰. کارآفرینی و گره‌گشایی و سعادت‌سازی به انگیزه‌ی بشردوستی و مردم‌خواهی و مهر به بندگان خدا.

راز برگزیدگی خدیجه علیها السلام در آینده‌ی حدیث و تاریخ

۱. جناب ابوطالب - که خود از نواندیشان و تاریخ‌سازان عرب و اسلام است - به هنگام خواستگاری از خدیجه برای پیامبر، در وصف او و راز گزینش وی به عنوان برترین‌ها در قاموس و تاریخ زن مترقی، به خاندان او چنین گفت: «إِنَّ ابْنَ أَخِينَا خَاطِبُ كَرِيمَتِكُمُ الْمُؤْصَفُ بِالْإِسْحَاءِ وَالْعِفَّةِ وَ هِيَ فَتَاتُكُمُ الْمَعْرُوفَةُ الْمَذْكُورَةُ فَضْلُهَا الشَّامِخُ حُطْبُهَا». (۳۱ ...) اینک برادر زاده‌ی ما محمد - که بی‌نیاز از وصف و ستایش است - به خواستگاری دخت گرامی شما آمده است؛ آن دخت ارجمندی که به ویژگی بخشندگی و پاکی و پروا آراسته است؛ همو که انسانی است بلند جایگاه و به شکوه و عظمت در میان شما شهره‌ی آفاق است، و برتریش زبانزد همگان و مقامش ارجمند می‌باشد. ۲. بانو «أم سلمه» - که از زنان برجسته‌ی تاریخ اسلام و همسر گران‌قدر پیامبر پس از «خدیجه» است - به هنگام وصف درایت و شایستگی آن بانوی کمال به وسیله‌ی پیامبر، گفت: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّكَ لَمْ تَذْكُرْ مِنْ خَدِيجَةَ أَمْرًا إِلَّا وَقَدْ كَانَتْ كَذَلِكَ» ... ای پیامبر خدا! راستی که خدیجه همان‌گونه بلند مرتبه و پر اخلاص و درست‌اندیش و شایسته کردار بود که شما همواره او را وصف می‌کنی. (۳۲) ۳. «اسما» از زنان نواندیش و تاریخ‌ساز عصر رسالت در وصف خدیجه، خطاب به او گفت: «أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ!» (۳۳) راستی که تو سالار زنان عصرها و نسل‌ها هستی. ۴. «صفیه» دختر «عبدالمطلب» و عمه‌ی پیامبر، از زنان کمال‌جو و شجاع تاریخ اسلام، در وصف او چنین سرود: ثُمَّ السُّعُودُ لِأَخِيَدٍ وَالسَّعِيدُ عَنْهُ مَابَرَحَ بِخَدِيجَةَ بِنْتُ الْكَمَالِ بَحْرٌ نَائِلُهَا طَفْحُ شَادِي وَ شَادِمَانِي بِاِنْشَاطٍ وَ طَرَاوْتٍ فَرَا رَسِيدٍ، وَ بَدِ پنداری و اندوه بر طرف شد. فروغ درخشان ما، چهره برافروخت و موج نیک‌بختی و شادکامی از افق پدیدار گردید. و این همه به برکت وجود ارجمند محمد صلی الله علیه و آله است؛ همو که در سرزمین حجاز و در زبان مردم آن به نیکی و بزرگمنشی یاد می‌شود. هر گاه «احمد» با همه‌ی انسان‌ها و نیز دیگر پدیده‌های آفرینش مقایسه شود، برتری و شکوه او بر همه‌ی آنها آشکار خواهد شد. اینک بار دیگر شکوه محمد صلی الله علیه و آله بر قریش آشکار گردید و به یمن وجود او، همای نیک‌بختی و سعادت برای همیشه در آسمان زندگی انسان‌های کمال‌جو و رشدخواه به پرواز در آمد. امواج این سعادت و نیک‌بختی «خدیجه» را در بر گرفت؛ همو را که دخت خرد و کمال و پاکی‌ها و ارزش‌هاست. راستی که خدیجه چه بانوی شکوهمند و آراسته‌ای است! و چه قدر درایت و بردباری از گفتار و منش او نمایان است! ۵. «محمد» از نوادگان امام حسن - که از دانشمندان ژرف‌نگر و پروا پیشه در تاریخ اسلام بود - در این مورد می‌گفت: «وَمِنْ الْأَزْوَاجِ أَفْضَلُهُنَّ خَدِيجَةُ الطَّاهِرَةُ» ... از همسران پیامبر، برترین‌شان از نظر بینش و منش و جمال و کمال خدیجه‌ی پاک‌سرشت و پاک‌منش بود، که درود خدا بر او باد. ۶. «عبدالله بن زبیر» که در دوستی با خاندان پیامبر دارای سابقه‌ی نیکی نیست، به وجود ارزشمند خدیجه علیها السلام مباهات می‌نمود، به گونه‌ای که در یک رویارویی گفتاری با معاویه، گفت: از افتخارات من این است که عمه‌ی گران‌قدرم «خدیجه»، آن بانوی بزرگ و دارای ریشه و تباری نیک و رفتار و کرداری والا است، اما عمه‌ی تو، «ام‌جمیل» است، (۳۴) که خدا در نکوهش بداندیشی و رفتار ظالمانه‌اش فرمود: «وَأَمْرَأَتُهُ حَمَالَةٌ الْحَطَبِ * فِي جِدِّهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ» (۳۵) و زنش نیز - که هیزم کش است، و در گردنش ریسمانی بافته‌شده از لیف خرماست - به آن آتش می‌سوزد. ۷. حدیث‌نگار نامدار اسلام، جناب «اربلی» در وصف آن بانوی نوگرا و با معنویت می‌نویسد: «وَكَانَتْ خَدِيجَةُ امْرَأَةً حَازِمَةً نَبِيلَةً شَرِيفَةً، وَ هِيَ يَوْمَئِذٍ أَوْسَطُ قُرَيْشٍ نَسَبًا، وَ أَعْظَمُهُمْ شَرَفًا، وَ أَكْثَرُهُمْ مَالًا، وَ كُلُّ قَوْمٍهَا قَدْ كَانَ حَرِيصًا عَلَى تَزْوِيجِهَا، فَأَبَتْ وَ عَرَضَتْ نَفْسَهَا عَلَى النَّبِيِّ وَ قَالَتْ: يَا بَنِي عَمٍّ! إِنِّي رَغَبْتُ فِيكَ لِقَرَابَتِكَ مِنِّي وَ شَرَفِكَ مِنْ قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ وَ حُسْنِ خُلُقِكَ» (۳۶) ... خدیجه به راستی بانویی خردمند و خردورز و بسیار پر شرافت و درایت بود. او در روزگار خویش از نظر ریشه و تبار از بهترین‌های «قریش» بود و از نظر شرافت و شکوه، پرشکوه‌ترین آنان، و از نظر ثروت و امکانات، ثروتمندترین آنان به شمار می‌آمد. بسیاری از چهره‌های سرشناس عرب و عجم برای پیوند با او سخت می‌کوشیدند و خواستگار بی‌قرار او بودند، اما او به آنان پاسخ منفی داد و

در همان حال، خود با هوشمندی و آینده‌نگری عجیبی به خواستگاری پیامبر رفت و با درایت و نجابت، انگیزه‌های انسانی و معنوی خویش را برای این پیشگامی بیان نمود و گفت: من به خاطر خویشاوندی و همفکری و به دلیل شرافت، امانت، راستی و منش شایسته‌ات، دل در گرو مهر تو دارم و بر آن هستم که اگر پذیری با تو پیمان زندگی مشترک امضا کنم. ۸. «علامه‌ی مجلسی» می‌نویسد: خدیجه یاور راستین و پر اعتبار اسلام بود که پیامبر خدا با وجود او و حمایت بی‌دریغ و کارسازش از هدف‌های بلند و آزادیبخش خود آرامش و آسایش می‌یافت... و شاید در پاداش این کار سترگ اوست که جبرئیل نزد پیامبر می‌آید و پیام می‌آورد که: ای پیامبر! به خدیجه از سوی پروردگارش سلام برسان! پیامبر خدا هم رو به آن بانوی آزادمنش می‌نماید و می‌فرماید: خدیجه! این فرشته‌ی وحی است که از سوی پروردگار به تو سلام آورده است، و آن بانوی دانش و معنویت پاسخ می‌دهد که: ذات بی‌همتای خدا سرچشمه‌ی سلام و ارزانی دارنده‌ی سلامت است، و سلامت و امنیت از سوی اوست و سلام و درود به بارگاه او باز می‌گردد. (۳۷) و نیز می‌نویسد: راستی که خدیجه وزیر راستین اسلام، مشاور خردمند و شجاع پیامبر و حمایتگر پر اعتبار او بود. آن حضرت به یاری او و حمایت بی‌دریغ و شجاعانه‌اش بر انبوه مشکلات و موانع چیره می‌شد، و با مهر و صفای وصف‌ناپذیر او آرامش خاطر می‌یافت؛ وَ كَانَتْ خَدِيجَةً وَ زَیْرَةً صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَسْكُنُ إِلَيْهَا. (۳۸) ۹. از دانشمندان نامدار اهل سنت «فضل بن رزبهان» می‌نویسد: «أَمَّا فَضَائِلُ خَدِيجَةَ فَهِيَ كَثِيرَةٌ لَا تُحْصَى». (۳۹) اما برتری‌ها و والایی‌های خدیجه بی‌شمار و بسیار است... ۱۰. و نیز از بزرگان اهل سنت، «سبکی» می‌نویسد: «وَالَّذِي نَخْتَارُهُ وَ نُدِينُ اللَّهَ بِهِ أَنَّ فَاطِمَةَ أَفْضَلُ مِنْ خَدِيجَةَ...» (۴۰) آنچه درمورد بانوی بزرگ اسلام، خدیجه علیها السلام بر می‌گیریم و بدان عقیده داریم، این است که او برترین زنان قریش، سرور زنان عرب، مام ارجمند توحیدگرایان و نواندیشان و سالار زنان گیتی است؛ اما ریحانه‌ی سرفراز پیامبر، فاطمه علیها السلام از او هم برتر و پرشکوه‌تر است. با این بیان فاطمه علیها السلام دخت ارجمند پیامبر، برترین زن تاریخ بشر است، و پس از او «خدیجه»، برترین زن عصرها و نسل‌هاست. ۱۱. و نیز «قاضی نعمان مغربی» از دانشمندان اهل سنت می‌نویسد: «خدیجه» بانوی بزرگ تاریخ - که رضوان خدا بر او باد - همان بزرگ بانویی است که مام ارجمند امامان نور را به دنیا آورد، و پیامبر گرامی با پیام فرشته‌ی وحی بشارت بهشت پرطراوت و زیبای خدا را به او داد. او ثروت بسیاری را در راه حق و عدالت و یاری‌رسانی به هدف‌های بلند پیامبر عدالت هزینه کرد، و به راستی محبوب‌ترین، برترین و گرامی‌ترین همسر پیامبر در نظر آن حضرت بود. او مام ارجمند دخت سرفراز پیامبر، فاطمه علیها السلام و دیگر فرزندان آن حضرت و به بیان پیامبر، آرامش‌بخش دل توفان‌زده‌ی او از فشار تاریک‌اندیشان و استبدادگران بود. او بانوی قانونمند و حق‌شناسی بود که در همه‌ی زندگی مشترک با پیامبر، میان او و آن حضرت جز همگرایی و صفا و عشق و وفا جریان نیافت، و کوچک‌ترین کدورت و آزدگی پدید نیامد، و در حالی جهان را بدرود گفت که پیامبر از او خشنود و سپاسگزار بود، (۴۱) و او نیز از آن حضرت خشنود. (۴۲) ۱۲. «علامه‌ی مامقانی» در وصف او می‌نویسد: خدیجه همسر جاودانه و هماره‌ی پیامبر است و به راستی مادر شایسته کردار و پُر معنویت مردم با ایمان است. (۴۳) و نیز می‌نویسد: برای آن بانوی فرزانه، این شرافت و شکوه که برترین افتخار و شکوه است، بسنده می‌باشد که راه و رسم عادلانه و بشردوستانه‌ی اسلام در برابر شرک و استبداد و تاریک‌اندیشی و تعصب کور، جز در پرتو جاذبه‌ی پیامبر و منش او، جهاد خالصانه امیرمؤمنان و درایت و ثروت بی‌کران خدیجه و جهاد مالی او قامت برنیفراشت و گسترش نیافت، که این واقعیت در روایات آمده است؛ «كُفَاهَا شَرَفًا فَوْقَ شَرَفِ أَنْ الْإِسْلَامَ لَمْ يَقُمْ إِلَّا بِمَالِهَا وَ سَيْفِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كَمَا رَوَى مُتَوَاتِرًا». (۴۴) ۱۳. فقیه و مرجع نامدار جهان تشیع، آیت الله خوبی در گرامیداشت آن بانوی تاریخ‌ساز می‌نویسد: شکوه و عظمت خدیجه، بخشش ثروت بی‌کرانش در راه خدا و پیشبرد هدف‌های آزادیبخش اسلام و پیامبر و همراهی و همگامی و فداکاریش در خدمت پیامبر به گونه‌ای روشن است که ما را از گفتار بیشتر در وصف او بی‌نیاز می‌سازد. (۴۵) ۱۴. «سلیمان کتانی» دانشمند نامدار عرب در وصف آن بانوی ستم‌ستیز و آزادیخواه می‌نویسد: «خدیجه» ثروت هنگفت خود را با سخاوتی وصف‌ناپذیر به محمّد صلی الله علیه و آله بخشید، در حالی که هرگز این احساس را

نداشت که چیزی می‌بخشد؛ بلکه این احساس را داشت که از وجود گرانمایه‌ی او، هدایت و سعادت و رستگاری دو جهان را - که بر همه‌ی گنجینه‌های گیتی برتری دارد - به دست می‌آورد. او احساس می‌کرد که مهر و عشق پاک را به پیامبر آزادی و مهر هدیه می‌کند، و در برابر آن سعادت و رستگاری و ماندگاری همه‌جانبه را به دست می‌آورد. (۴۶) نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام پرتوی از مدیریت اقتصادی و کارآفرینی او.

[ج:] پرتوی از مدیریت اقتصادی و کارآفرینی خدیجه علیها السلام

اشاره

اگر پژوهشگری به زندگی درخشان بانوی بزرگ تاریخ اسلام و عرب، خدیجه علیها السلام و موفقیت و شکوه او در ابعاد گوناگون زندگی بنگرد، و راز استقلال و آزادگی او را بجوید، همین دانش و هنر برنامه‌ریزی، یگانه‌سازی نیروها، دمیدن روح انگیزش در کارکنان و قدرت کنترل کارها و اصلاح امور و دیگر هنرها و مهارت‌های مدیریت را در زیباترین چهره‌اش در منش و روش مرقی و با معنویت و زیبای او خواهد یافت. مدیریت او افزون بر اصول و ارکان مدیریت ظاهری و علمی و تجربی، مدیریتی انسانی و آزادمنشانه و عادلانه و مدیریت بر قلب‌ها بود، که مدیریت و کارآفرینی که موضوع این همایش است - بخشی از شاهکار شگرف اوست.

۱/۳. دختری اندیشمند و صاحب اعتبار و امکانات

اسناد روایی و تفسیری و تاریخی بیانگر این حقیقت است که: او دختری اندیشمند و صاحب ثروت و امکانات بود و به تجارت گسترده‌ای اشتغال داشت و پس از ایمان به راه و رسم مرقی و انسان‌پرور پیامبر آزادی، تمام آن ثروت و اعتبار و تجربه و کارایی را در اختیار پیشوای آزادی نهاد. پیامبر حق‌شناسی در نقش فداکاری و ایثار او در پیشرفت معنویت و اخلاق فرمود: «مَا قَامَ وَلَا سَيَقَامُ الدِّينُ إِلَّا بِسَيِّفِ عَلِيٍّ وَمَالِ خَدِيجَةَ» (۴۷) اسلام پس از فرود بر قلب و زبان پیامبر، با دو عامل اساسی، گسترش و پایداری یافت: شهادت و فداکاری علی، و دیگر جهاد و فداکاری اقتصادی خدیجه. بر این اساس است که اندیشمندان در این مورد می‌نویسند: «كفاهَا شَرَفًا فَوْقَ شَرَفِ أَنْ الْأَسْلَامَ لَمْ يَقُمْ إِلَّا بِمَالِهَا وَ سَيِّفِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كَمَا رُوِيَ مُتَوَاتِرًا» (۴۸) برای آن بانوی فرزانه، این شرافت و شکوه - که برترین افتخار و شکوه است - بسنده می‌باشد که راه و رسم عادلانه و بشردوستانه‌ی اسلام و ایمان در برابر شرک و استبداد و تاریک‌اندیشی و تعصب کور، جز در پرتو جاذبه‌ی پیامبر و منش او، جهاد خالصانه‌ی امیرمؤمنان و ثروت بسیار خدیجه و جهاد مالی او قامت برنیراشت و گسترش نیافت. و در قدرشناسی از بخشندگی هدفمند و فداکاری هدفدار و جهاد اقتصادی بانوی خردمند حجاز در راه پیشرفت اندیشه‌ی آزادی‌بخش و انسان‌پرور دین خدا فرمود: «مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلَ مَالِ خَدِيجَةَ» (۴۹) هیچ ثروت و امکاناتی در زندگی اجتماعی و تربیتی‌ام به هدف‌های والای من بسان ثروت و امکانات «خدیجه» سودبخش و سودرسان نبود. در جریان محاصره‌ی چند ساله‌ی پیامبر به همراه یاران در دره‌ی ابوطالب، یکی از عوامل پایداری پیامبر و مردم آزادیخواه و به شکست کشاندن تلاش واپسگرایانه‌ی محافظه‌کاران و جریان‌های خمود و خشونت‌کیش، بخشندگی و بزرگ‌منشی ابوطالب و بلندنظری و جهاد اقتصادی خدیجه بود، «وَأَنْفَقَ أَبُو طَالِبٍ وَخَدِيجَةُ جَمِيعَ مَالَهُمَا» (۵۰)

۲/۳. در مدیریت اقتصادی

او در مدیریت اقتصادی خویش، همکاران و عوامل اجرایی را، از میان انسان‌های سالم و امانتدار و درستکار و آزمون شده و

ریشه‌دار به همکاری دعوت می‌کرد و خود از دفتر کارش، این کاروان عظیم تجارتی را با سرانگشت نیرومند تدبیر و قدرت گره‌گشای مدیریت و درایت خویش به حرکت می‌آورد و به کارهای اقتصادی خویش سامان می‌بخشید. داستان پیشنهاد ابوطالب به او برای گزینش محمد صلی الله علیه و آله به کار در کاروان تجارتی‌اش، و استقبال آن حضرت از آن پیشنهاد در روایات آمده است.

۳/۳. اصل ایجاد انگیزه در مدیریت

او، در آن روزگار فقدان درایت و مدیریت عادلانه و انسانی، از اصل ایجاد انگیزه در کارکنان و همکاران بهره می‌جست، که پیامبر در مقام حق‌شناسی از بخشش و بزرگ‌منشی او در این راه چنین فرمود: «مَا رَأَيْتُ مِنْ صَاحِبَةٍ لِأَجِيرٍ خَيْرًا مِنْ خَدِيجَةٍ، مَا كُنَّا نَزْجِعُ أَنَا وَصَاحِبِي إِلَّا وَحَدَّنَا عِنْدَهَا تُحَفُّهُ مِنْ طَعَامٍ تَحْبَأُهُ لَنَا» (۵۱) من مدیر و کارفرمایی پر مهرتر و حق‌شناس‌تر و بهتر از خدیجه نسبت به کارکنان و کارگزاران و همکارانش را ندیدم. هرگاه من و دوستم پس از کار، نزد او می‌رفتیم، می‌دیدیم غذای گوارایی را که به اشاره‌ی او برای ما آماده شده بود، آن را به ما هدیه می‌نمود و با کارگزاران و زیردستان بزرگ‌منشانه و انسانی رفتار می‌کرد. (۵۲)

۴/۳. اصل نظارت و کنترل در مدیریت

برابر اسناد تاریخی و روایی موجود، او در مدیریت موفق و متریقی خویش از اصل نظارت و کنترل در مورد برنامه‌ها و مدیران و کارکنان خویش بهره می‌جست. هم توجه جدی به رهاورد کار داشت، و هم به صورت دقیق و پی‌گیر کارهای انجام شده را مقایسه می‌نمود و هم در صورت لزوم، اصلاحات لازم را اعمال می‌کرد تا از اشتباه و انحرافی که در پروژه‌ها و برنامه‌ها و هدف‌ها پیش می‌آمد، جلوگیری کند. داستان گماشتن «میسره» یا ناظر و بازرس ویژه‌اش به نظارت بر منش و رفتار محمد و دستور تهیه‌ی گزارش دقیق کتبی و نه شفاهی، برای او، در اسناد تاریخی آمده است، که در درایت و مدیریت او، آن هم در آن زمان، جالب و آموختنی است.

۵/۳. شناخت زمان و مکان و شرایط بازار در پرتو آگاهی و مشاوره

او در برنامه‌ریزی از مشاوران کاردانی بهره می‌جست و چنان بود که انتخاب وقت و فرصت، نوع کالا- و مقدار آن، حرکت و بازگشت و توقف کاروان را با آگاهی از زمان و مکان، به گونه‌ای تنظیم و تدبیر می‌کرد که شگفتی همگان را برمی‌انگیخت و کاروان بزرگ تجارتی‌اش همواره در راه بود، و از یمن به حجاز و از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و مبادلاتی جهان عرب می‌رفت، و سودی سرشار و عادلانه با خود می‌آورد. اگر به شرایط آن روز جهان و نیز دنیای عرب و قلمرو حجاز در آن روزگاران آشنا باشیم، و نیز اگر اسارت و محرومیت کامل «زن» از حقوق انسانی و اجتماعی‌اش را به یاد داشته باشیم، و اگر زنده به گور شدن دختران را به خاطر بیاوریم، آن‌گاه اداره‌ی چنین شریان مهم اقتصادی به وسیله‌ی یک دختر هوشمند و پاک‌منش و به مدیریت توانمند و تدابیر ظریف و دقیق اقتصادی و اجتماعی او، ما را به شخصیت برجسته و ابتکار در کارها و روح مدیریت و سازنده‌ی او رهنمون می‌شود و درمی‌یابیم که به راستی او در آن روزگاران، خردمندترین و مدبرترین و کارآمدترین بانوی جهان خویش بود. دانشمند و روشنفکر عرب، دکتر محمد عبده یمانی، وزیر فرهنگ پیشین سعودی و برادر «زکی یمانی» وزیر نفت سابق آن کشور در کتاب خویش (۵۳) در وصف ایمان و اخلاص و شهامت و عظمت روحی و درایت و مدیریت و فداکاری خدیجه از جمله چنین می‌نویسد: خدیجه، این بانوی آگاه و پاک‌سرشت که حق‌گرایی، فضیلت‌طلبی، نواندیشی و عشق به کمال و پیشرفت از ویژگی‌هایش بود، از همان روزگار جوانی، یکی از دختران نامدار و با فضیلت حجاز و عرب به شمار می‌رفت. او در جهان عرب

نخستین زن توانمندی است که در اقتصاد و تجارت و مدیریت درخشید و در این راه شخصیت منطقه‌ای و شهرت جهانی به هم زد؛ به گونه‌ای که نام بلند او در تاریخ عرب و در آثار و نوشته‌های تاریخ‌نگاران پیش از اسلام نیز با شکوه و عظمت و به عنوان یک قهرمان بزرگ ملی و یک مدیر توانمند و کارآفرین با درایت و معنویت آمده است. و نیز می‌نویسد: این بانوی بزرگ، نه تنها انسانی پیشتاز و رشدیافته و آراسته‌ی به جمال و کمال و دارای خرد و روحی بزرگ بود، که فرشته‌ای پُرشکوه را در سیمای انسان می‌نمود. او از شهامت و عظمت روحی و فکری وصف‌ناپذیری بهره‌ور بود. آیا در مورد هم‌اندیشی، همگرایی، همگامی و همراهی اندیشمندان و دلیرانه‌ی او با پیامبر آزادی و عدالت، آن هم در آن شرایط تیره و تار روزگار پیش از بعثت اندیشیده‌اید؟ راستی چگونه این بانوی فداکار و آزادمنش پیش از بعثت محمد صلی الله علیه و آله و پیش از آشکار شدن شکوه و عظمت آن حضرت و آینده‌ی درخشانش، گویی بسان او می‌اندیشید و از استبداد و انحطاط و کجروی و نادانی جامعه و دنیای خویش رنج می‌برد و راهی تازه و جامعه و جهانی نو و شرایطی آزاد و آباد و مردمی آگاه و عدالت‌جو و بامعنویت می‌جست؟ او در راه همگامی و همراهی با پیامبر، خطرهای حکیمانه می‌نمود و فداکاری‌هایی شجاعانه می‌کرد؛ برای نمونه او با آن ثروت و اعتبار، خود از خانه‌ی خویش - که نزدیک «مسجد الحرام» بود - راه می‌افتاد و با پیمودن مسافت زیادی تا کوه «حِرا» می‌رفت و با بالا رفتن از دامنه‌ی کوه، به پیامبر آب و غذا می‌برد و او را در راه اوج و عرفان و نیایش و معنویت و به دوش کشیدن بار گران رسالت و به اهتزاز در آوردن پرچم نجات و رستگاری بشریت یاری و همراهی می‌کرد؟ (۵۴) و نیز در کتاب دیگرش در بیان نقش تاریخ‌ساز و مرقی خدیجه علیها السلام، او را مام گرانمایه‌ی توحید گرایان و کمال‌جویان، همسر و همتای لایق پیامبر محبوب و شریک دغدغه‌ها و هدف‌های او، و مادر دعوت نجات‌بخش اسلام عنوان می‌دهد. (۵۵) علّامه‌ی قزوینی در این مورد می‌نویسد: مام گرانمایه‌ی فاطمه علیها السلام، بانوی نوگرا و ارجمندی است به نام خدیجه علیها السلام؛ بانویی سپید چهره، بلند قامت و زیبا که در میان جامعه و مردم، سخت پر شرافت بود، و در کارها بسیار خردمند. از هوش و درایت، بهره‌ای بزرگ داشت و در شئون زندگی از بینشی ژرف برخوردار بود. در پرتو استقلال فکر و عمل و اعتماد به خود می‌زیست و به برکت مغز هوشمند خود، چرخ‌های اقتصادی و تجاری گسترده‌ی خود را به حرکت آورده و به مقررات و مدیریت اقتصادی و کارآفرینی آگاه و کوشا بود. اینها از صفات شایسته و ویژگی‌های آن بانوی بزرگ به عنوان یک انسان است. اما صفات برجسته‌ی او به عنوان یک همسر و برای زندگی مشترک، او بانویی بود که ثروت هنگفت خود را به شوی گرانقدرش بخشید تا در راهی که می‌پسندد به کار گیرد. بی‌هیچ تردیدی سرمایه‌ی عظیم اقتصادی آن بانوی فداکار در پیشرفت اسلام و برپایی جامعه‌ی جدید نقش اساسی داشت؛ چراکه اسلام در حال شکل گرفتن، نیاز به امکانات اقتصادی داشت، و خدا بر اثر درست‌اندیشی و اخلاص خدیجه علیها السلام، این افتخار را به او داد که ثروتش را برای پیشرفت دین و آزادی انسان مهیا ساخت، و با تأمین نیاز اقتصادی پیامبر و نواندیشان همراه او در آن مرحله‌ی حسّاس، هدف پیامبر که برپایی پایه‌های عدالت و آزادی بود استوار شد. به همین جهت هم پیامبر فرمود: هیچ ثروتی، بسان ثروت خدیجه برای اهداف بلند من سودبخش نیفتاد. «مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلُ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ». (۵۶) پیامبر با بهره‌گیری از ثروت خدیجه علیها السلام، ضمن پرداخت وام و امداران، بردگان را آزاد و به درماندگان کمک می‌کرد. بار را از دوش آنان برمی‌داشت، و در رخدادهای ناگوار زندگی از آن مال پر سعادت به هر اندازه لازم بود، هزینه می‌کرد و زیر بال محرومان را می‌گرفت. او هنگامی که در مکه بود به یاران آزادیخواه، اما تهیدست و زیر فشار، کمک می‌کرد و امکانات هجرت مهاجران را فراهم می‌نمود. او در حیات درخشان آن یار فداکار آنچه صلاح می‌دانست از دارایی‌اش هزینه می‌کرد و پس از رحلت او نیز آن را خود و فرزندان‌ش به ارث بردند. (۵۷) به همین جهت است که سخن جاودانه‌ی پیامبر مفهوم روشن خود را پیدا می‌کند که فرمود: اسلام پس از جاذبه‌ی مفاهیم و معنویت مقررات خود، با شجاعت و شمشیر عدالت‌طلب علی، و دارایی خدیجه، در برابر فشار استبداد برپای ایستاد و استواری یافت. «مَا قَامَ وَلَا أُسْتَقَامَ الدِّينُ إِلَّا بِسَيْفِ عَلِيٍّ وَمَالِ خَدِيجَةَ». زندگی و همگامی این بانوی بزرگ با پیامبر،

در خور هر گونه تحسین است. به همین دلیل آن حضرت پس از رحلت او نیز هر گاه نام بلند آوازه‌اش به میان می‌آمد، برایش طلب آمرزش می‌کرد و قلب مصفایش به یاد او می‌شکست و در اندوه آن یار مهربان و فداکار اشک می‌ریخت. روزی آن حضرت از خدیجه علیها السلام همانند همیشه، با عظمت بسیار یاد کرد که عایشه گفت: او بانویی سالخورده بود و خدا بهتر از او به شما داده است! امّا پیامبر حق شناس فرمود: هرگز، چرا که او هنگامی به من ایمان آورد که مردم به من کفر ورزیدند، و زمانی مرا تصدیق کرد که مردم مرا در دعوت آسمانی ام دروغگو شمردند، و آن گاه مرا در دارایی هنگفت خویش شریک ساخت، که مردم مرا از ثروت خویش محروم ساختند، و خدا فرزندان ارجمند از آن بانوی پاک‌روش به من ارزانی داشت. (۵۸) دانشمند شهیر عرب، بانو «قزاعه» می‌نویسد: تاریخ در برابر شکوه و عظمت «أُمّ المؤمنین» خدیجه علیها السلام سر فرود می‌آورد و در برابر او با نهایت فروتنی می‌ایستد و نمی‌داند که نام این بانوی بزرگ جمال و کمال را در کدامین فراز بلند خویش به ثبت برساند. (۵۹) و نیز پزشک دانشمند، دکتر سعیده کرمی در این مورد می‌نویسد: بیست و پنج بهار از عمر پربرکت پیامبر می‌گذشت که با خدیجه - که برترین و والاترین دختر حجاز بود - پیمان زندگی مشترک بست، و فصل تازه‌ای در زندگی‌شان آغاز شد. (۶۰) ازدواج پیامبر با خدیجه علیها السلام در نوع خود بی‌نظیر و دارای ویژگی‌هایی بی‌سابقه بود؛ چراکه این پیوند مبارک نه ثمره‌ی عشق زودگذر بود، و نه برخاسته‌ی از انگیزه‌های مادی یا دیگر امور و اهداف رایج، که در ازدواج چهره‌های سرشناس وجود دارد. هدف‌های سیاسی نیز در امضا و تشکیل این زندگی و ساختار آن نقشی نداشت. افزون بر اینها، زندگی و شرایط اقتصادی پیامبر و خدیجه نیز با یکدیگر تناسبی نداشت، چراکه پیامبر دارای امکانات اقتصادی نبود، و همان گونه که دوران کودکی را در کنار عمویش زندگی کرده بود، باز هم با او می‌زیست، امّا خدیجه ثروتمندترین دختر جهان عرب بود؛ به همین جهت فاصله‌ی زیادی میان سطح زندگی پیامبر و او می‌نگریم، امّا آن دخت کمال‌جو نیک می‌دانست که آینده‌ی درخشان و امیدبخشی در انتظار آن جوان آزادمنش و نواندیش است. شاید این راز را از «میسره» غلام هوشمندش دریافته بود که در سفر پیامبر با کاروان تجارتی‌اش، همسفر او بود و نشانه‌های بسیاری از شکوه و درایت و امانت و اقتدار را در او دیده و همه را ضمن تقدیم گزارش کار به دخت خردمند حجاز، منعکس نموده بود؛ یا آنکه پیشگویی آن راهب دیر «بُصری» در شام، در مورد آینده‌ی شکوه‌بار محمد صلی الله علیه و آله به گونه‌ای به گوش «خدیجه» رسیده، و او نیز در پرتو ژرف‌نگری و الهام قلبی به آن دل بسته بود. (۶۱)

۶/۳. رعایت اصل پاک‌روشی و پاک‌منشی در مدیریت اقتصادی

او در کار تجارت و مدیریت خویش بر اساس همان بینش و منش برجسته‌اش - که پاک‌روشی و پاک‌منشی و راستی و درستی و عدالتخواهی و ستم‌ستیزی بود - گام برمی‌داشت و هرگز به هر قیمت و هر بهایی، سود نمی‌جست و در آمد نمی‌خواست. هرگز بسان برخی زورمداران و زرپرستان روزگار ما، تجارت را به عنوان وسیله‌ای برای به دست آوردن درآمدهای سرشار، امّا ظالمانه و ضدّ مردمی و به هر شکل و از هر راه نمی‌پسندید. هرگز در اندیشه‌ی سودجویی و منفعت طلبی‌های فردی و شخصی و بی‌رویه و بی‌ضابطه و به بهای فقر و فلاکت و اسارت و نگونساری مردم خویش نبود، بلکه همواره در تلاش بود تا مدیریت اقتصادی و کار تجارت و بازرگانی‌اش به دور از هر گونه تخلف اقتصادی و پاک از هر نوع آلودگی‌های مالی و به دور از هر گونه درآمدهای بادآورده و ظالمانه باشد، و راهی برای رشد و گامی برای پیشرفت جامعه و دنیای خویش. از این زاویه بود که برخلاف رسم رایج بازار روزگار، او از احتکار و انحصار، کم‌فروشی و فریب، از رباخواری و بهره‌کشی‌های ظالمانه‌ی رایج و از هر نوع حرام‌خواری مری و نامری و سوء استفاده از فرصت و اعتبار و امکانات برای انباشتن ثروت و دارایی دوری می‌جست، و کار پر شرافت خویش را به این گناهان بزرگ آلوده نمی‌ساخت و به کارگران و کارمندان و مدیران تحت فرمانش نیز هشدار می‌داد که داد و ستد و سود و درآمد را در پرتو درایت و صداقت و هوشمندی و هنر و از راههای مشروع و عادلانه‌ی تجارت و صادرات و

واردات و تولید و توزیع و خدمت به کشور و ملت خویش و تعهد و تخصص بجویند، نه از هر راهی.

۷/۳. جلب اعتماد بازارهای داخلی و منطقه‌ای

او، به دلیل همین بینش زیبا و منش مرقی و ویژگی‌های اخلاقی و انسانی و مهارت خردمندانه نیز نه تنها اعتماد بازارهای داخلی را جلب نموده، که اطمینان بازارهای منطقه‌ای را نیز به دست آورده، و راه پیشرفت و ترقی و رشد را برای دیگران هم گشود، و آن‌گاه موفقیت بود که از پی موفقیتی دیگر و سود سرشار بود که از پی سودی دیگر می‌رسید، و کاروان‌های تجاری خدیجه بود که مورد استقبال بازارهای مصر و یمن و شام و حبشه و ... قرار می‌گرفت! چراکه او در خوشنامی و صداقت و امانت و جلب اعتماد، گوی سبقت را از همگان ربوده بود. (۶۲)

۸/۳. آفرینش و امضای قراردادهای ابتکاری و متنوع

برابر اسناد موجود، خدیجه علیها السلام مدیری آگاه و دلسوز و کارآفرین بود. به همین جهت قراردادهای ابتکاری و متنوعی با افراد می‌بست و با تسهیلاتی جالب و عادلانه، آنان را به کار می‌گماشت. او برخی را که دارای روح ابتکار و استقلالی بودند، با اعطای سرمایه و تسهیلات، با قراردادی شبیه مضاربه به همراه کاروان خویش می‌فرستاد، و برخی را به صورت کارمند و کارگر و کارگزار به کار می‌گماشت. از این راه در درجه‌ی نخست، بر مال حلال خویش می‌افزود و در درجه‌ی دوم، بر اقتصاد جامعه، خون مفید و ثروت سالم تزریق می‌کرد و در درجه‌ی سوم، گروهی را به خاطر همراهی با کاروان بزرگ خویش اداره می‌کرد و برای آنان فرصت کار و اشتغال و درآمد می‌آفرید، و در درجه‌ی چهارم، نیازهای متنوع مردم به کالا- و وسایل زندگی را برطرف می‌ساخت، و بهتر و مطلوب‌تر از همه به ندای استقلال‌طلبی و آزادمندی و آزادیخواهی و ستم‌ستیزی و ناسازگاری خویش با روند ظالمانه‌ی روزگارش پاسخ می‌داد. اگر شرایط رباخواری آن روز جهان عرب و آیات قرآن در این زمینه را بنگریم که چگونه و در چند مرحله به جنگ این بلا- و این آفت بزرگ اجتماعی و اقتصادی و روانی و اخلاقی رفته است، آن‌گاه بیشتر به عظمت این بانوی خوش‌فکر و روح‌خلاق و مبتکر او پی می‌بریم و با درایت و مدیریت تحسین برانگیزش در اقتصاد و تجارت و کارآفرینی و پیشرفت آگاه می‌گردیم. برای نمونه، در برخی از اسناد تاریخی و روایی در مورد مدیریت و کارآفرینی خدیجه و خدمات بشردوستانه‌ی او، از زبان یکی از عموهای پیامبر در روزگار نوجوانی آن حضرت که جویای کار با شرایطی ازادمنشانه و تسهیلاتی بدون منت بود، چنین آمده است: «أَفْضُوا بِنَا إِلَى دَارِ خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلَدٍ حَتَّى نَسْأَلَهَا أَنْ تُعْطِيَ مُحَمَّداً مَالاً يَتَجَرَّ بِهَا» (۶۳) باید به خانه‌ی خدیجه برویم و از او بخواهیم که سرمایه و تسهیلاتی در اختیار محمد قرار دهد تا وی با آن تجارت نماید.

۹/۳. کارآفرینی با معنویت و بشردوست

اسناد تاریخی و روایی نشانگر آن است که درایت و مدیریت تحسین برانگیز خدیجه علیها السلام در اقتصاد و تجارت، او را به اوج شهرت رسانده، و درست‌اندیشی و درست‌رفتاری و امانت او، وی را در سیمای کارآفرینی با معنویت و شایسته‌کردار و بشردوست و خدمتگزار نیروی کار، در مکه و حجاز شهره ساخته بود. بی‌جهت نیست که وقتی فردی سرشناس و برجسته و آراسته‌ی به بلندنظری و شهامت و مناعت طبع، همانند ابوطالب در تلاش یافتن فرصت کار و امکان اشتغال در جایی پر اعتبار و سالم برای برادرزاده‌ی جوان و ارجمند خویش است، پیش از هر جا و هر کار و هر مؤسسه‌ای، از تشکیلات اقتصادی و تجاری دخت فرزانه‌ی حجاز آگاهی و مدد می‌جوید، و زمانی که به خاطر خوشنامی خود و خاندانش، بی‌درنگ پاسخ مساعد دریافت می‌دارد، به برادرزاده‌ی ارجمندش می‌گوید: محمد جان! برابر پیشنهادی که دریافت داشته‌ام، مؤسسه‌ی اقتصادی و بازرگانی خدیجه، در

اندیشه‌ی یافتن مردی هوشمند و کارآمد و آراسته‌ی به اخلاق نیک و امانت است تا مدیریت کاروان بزرگ او به سوی شام را بر عهده‌ی وی بسپارد، به باور من فرصت خوبی است که شما خود را به آن مؤسسه و مدیریت موفق آن معرفی نمایی و برای این کار اعلام آمادگی کنی. (۶۴) محمّد با پیشنهاد عمومی گرانقدرش موافقت نمود، و در این اندیشه رفت که چگونه میان مناعت طبع و روح بلند خود از یک سو، و از سوی دیگر با درخواست کار از خدیجه، بدون هیچ آشنایی چهره به چهره و سابقه‌ی قبلی با مؤسسه‌ی او، هماهنگی برقرار سازد؟ هنوز در اندیشه‌ی حلّ این معّیّا بود که پیک خدیجه از راه رسید و در پیگیری گفتگوی ابوطالب در این مورد، محمّد صلی الله علیه و آله را برای آشنایی و مذاکره دعوت نمود. محمّد صلی الله علیه و آله با فرستاده‌ی خدیجه به گفتگو نشست و او ضمن دعوت وی به کار، خاطر نشان ساخت که: نیروی کار برای ما فراوان است، اما آنچه مدیریت این مؤسسه‌ی تجاری را به تو علاقمند ساخته و در اندیشه‌ی عقد قرارداد و سپردن مدیریت کاروان بزرگ بازرگانی خدیجه به سوی شام با محمّد است، همان گوهر اخلاق و معنویت و راستی و امانت و درستی و پاک‌منشی و شیوه‌ی شایسته و خوشنامی او در زندگی است. محمّد صلی الله علیه و آله جریان را با عمومی فرزانه و دلسوز خویش ابوطالب در میان نهاد و او گفت: «إِنَّ هَذَا الرَّزْقَ سَاقَهُ اللَّهُ إِلَيْكَ» (۶۵) این رویداد خوش، وسیله و راهی است برای اشتغال و درآمد زندگی که خدای مهربان آن را به سوی تو روان ساخته است. محمّد صلی الله علیه و آله پس از ترغیب فرزانه‌ی قریش، به سوی مرکز تجاری خدیجه رفت و ضمن دیدار با او و شنیدن شرایط و مقررات کار و حقوق و مزایای آن، دریافت که مدیریت بازرگانی خدیجه حاضر است دو برابر حقوقی که به دیگران می‌دهد به محمّد بپردازد، و دو غلام خویش را نیز برای انجام فوری و دقیق تصمیمات او، از آغاز تا انجام سفر تجاری به همراه او گسیل دارد. و او نیز پس از مساعد و مطلوب دیدن شرایط و مزایا و منش و رفتارها، آمادگی خود را برای همکاری اعلام داشت. چیزی نگذشت که کاروان بزرگ تجاری قریش به سوی شام حرکت کرد، و کاروانش خدیجه و کالای متنوع و مرغوب او نیز در قالب آن به راه افتاد. آن بانوی مدیر و کارآفرین افزون بر کالای کاروان، مرکبی راهوار و مقداری کالای ارزشمند نیز جدا از کالای کاروان در اختیار مدیر بازرگانی خویش قرار داد، و به دو تن از چابک‌ترین و باهوش‌ترین و ادب آموخته‌ترین غلامان خود نیز دستور داد تا در همه‌ی مراحل کار و سفر گوش به فرمان محمّد صلی الله علیه و آله باشند، و هر آنچه نیز از او دیدند در خاطرات خویش بنویسند و به هنگام بازگشت به مدیریت مؤسسه بدهند. جالب است که کاروان رفت و با موفقیت و سودی رضایتبخش بازگشت و در همین نخستین سفر بود که درایت و امانت محمّد درخشید، و ابتکارات او کارساز گردید و در نتیجه سود تجاری سرشاری را نصیب کالا و کاروان خدیجه نمود. افزون بر آن سند درایت و هوشمندی و قدرت ابتکار و توانایی محمّد، گزارش دو فرستاده‌ی خدیجه، یکسره از امانت و معنویت و منش مترقی و ادب و اخلاق او خبر داد و دخت ارجمند حجاز را برای همیشه شیفته‌ی اندیشه‌ی والا و شیدای منش زیبا و امانت و درستی او ساخت.

۱۰/۳. کوشا و پرتلاش در راه تربیت و سازندگی نزدیکان

آن بانوی خرد و مدیریت، نه تنها در کارآفرینی و ایجاد حرفه و اشتغال و راه درآمد برای دیگران کوشا و پرتلاش و موفق بود، بلکه توانست شماری از نزدیکان و اطرافیان خویش را نیز به گونه‌ای زیر پر و بال خود بگیرد که هم راه معیشت و درآمد و زندگی آبرومندانه‌ی آنان را تأمین کند، و هم زمینه‌ی مناسب و فضای مساعدی را برای تغذیه‌ی فکری و فرهنگی و اخلاقی و انسانی آنان فراهم آورد تا آنان در آن فرصت و فضای آزاد و آرام، امکان یابند فارغ از غم کار و نان و پناهگاه و امکانات زندگی، بیندیشند و تربیت شوند و راه زندگی را چنان برگزینند که به صورت انسان‌هایی خوش‌فکر و کمال طلب و آزادمنش سر بر آورند. نمونه‌هایی از آنان خواهرزاده‌ها و فرزندخوانده‌های «رقیه»، «زینب» و «هند» هستند، (۶۶) که هر کدام در روزگار خود به برکت مراقبت و مدیریت او خدیجه، راه شایستگی را انتخاب کردند و خوش درخشیدند؛ برای نمونه: الف. «هند» یکی از خواهرزاده‌های «خدیجه»

است، که فرزندخوانده‌ی او هم بود. وی در خانه‌ی و در قلمرو مراقبت و حمایت و آموزش و مدیریت او تربیت شد و به گونه‌ای در خودسازی و ایمان و ادب رشد نمود که در ردیف یاران بزرگ پیامبر به شمار آمد؛ به ویژه که این سعادت را داشت که از بینش و منش پیامبر نیز در فرصتی بسیار بهره‌ور گردد. (۶۷) او همان جوانمردی است که در شب تاریخی هجرت از مکه به سوی مدینه، پیشوای آزادی را با شهامت و اخلاص تا غار «ثور» همراهی نمود و به فرمان او به مکه باز آمد. او یک شب پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله، به همراه امیرمؤمنان به طور نهانی به دیدار پیامبر گرامی در غار رفت و به دستور او موظف گردید که به همراه علی علیه السلام مرکب و وسایل سفر آن‌حضرت برای هجرت را با ظرافت و رعایت مسایل امنیتی فراهم آورد. (۶۸) این تربیت یافته‌ی مکتب خدیجه علیها السلام پس از رویداد تاریخساز هجرت در هوای آموزه‌های رهایی‌بخش اسلام و پیامبر آزادی به مدینه شتافت و در صف آزادیخواهان و ستم‌ستیزان، در «بدر» و «أُحُد»، مبارزه‌ها و فداکاری‌های خداپسندانه و تحسین‌برانگیزی نمود. او پس از رحلت پیامبر گرامی در غوغای انحصارگری و خشونت تشنگان قدرت - که خود را شیفته‌ی خدمت جا می‌زدند - راه درست هدایت را گم نکرد، بلکه در کنار سبیل عدالت و نفس نفیس پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و مورد خشم دنیاداران قرار گرفت و در «جمل» به شهادت رسید. (۶۹) ب. «حارث»، نمونه‌ای دیگر از اثرپذیران و تربیت یافتگان خدیجه علیها السلام بود. او نیز بر اثر آموزش و عملکرد و مدیریت و مراقبت بانوی آزادی و معنویت به شاهراه راستی و درستی گام نهاد و بر اثر خودسازی و خودشکوفایی و مراقبت به گونه‌ای درست اندیشید و نیک رفتار نمود و خوش درخشید که نه تنها در زندگی، موفق و نیکومنش گردید که جان شیرین را در طبق اخلاص نهاد و به بارگاه خدای خویش هدیه کرد و به بیان برخی از پژوهشگران، او نخستین شهید راه عدالت از مردان مسلمان گردید. ج. از دیگر پرورش یافتگان مکتب مرقی و منش و مدیریت انسان‌پرور بانوی تاریخ‌ساز اسلام و عرب، خدیجه علیها السلام دختری است به نام «هند» که از خواهرزاده‌ها و فرزندخوانده‌های اوست. او در کنار دخت خردمند حجاز به گونه‌ای به آگاهی و رشد راهنمایی شد که پس از طلوع اسلام و بعثت پیامبر گرامی بر اثر آن مایه‌های تربیتی و مهندسی روحی و معنوی، به سوی حق و عدالت گرایید و به گونه‌ای خود را ساخت و به خودشکوفایی نائل آمد که در شمار یاران بزرگ پیامبر و یکی از بانوان نواندیش و با معنویت و پروا به حساب آمد. از پایان فرصتی که به این جانب، در این نشست داده شد و ده دقیقه‌ای هم بر آن افزون گردید، و باز هم سخن ناتمام ماند، هم سپاسگزارم و هم پوزش می‌طلبم. با آرزوی موفقیت برای انجمن زنان مدیر کارآفرین، و دیگر انجمن‌های مردمی در جهت رشد و شکوفایی و پیشرفت جامعه به ویژه زنان و دختران معنویت‌خواه و آزادمنش و کمال‌جو. و السَّلامُ عَلَیکُمْ و رَحْمَةُ اللهِ و بَرَکَاتُهُ، دفتر فرهنگ و اندیشه، علی کرمی فریدنی تابستان ۱۳۸۶ آثار چاپ شده‌ی استاد اندیشمند علی کرمی فریدنی

آثار چاپ شده‌ی استاد اندیشمند علی کرمی فریدنی

۱. ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، چاپ پنجم، ۶۰۰ صفحه، نسیم انتظار. ۲. عاشورا غمبارترین روز تاریخ، ۳۶۰ صفحه، چاپ چهارم، نشر مرتضی. ۳. فاطمه علیها السلام از ولادت تا شهادت، ترجمه و نگارش، ۹۰۰ صفحه، چاپ دهم ترجمه‌ی برگزیده‌ی سال ۱۳۸۵ با رتبه‌ی اول در همایش اهل قلم. ۴. اولین تاریخ کربلا، ترجمه و نگارش، ۴۸۰ صفحه، چاپ سوم. ۵. جویندگان امام مهدی، ۴ جلد، ۱۵۰۰ صفحه، دفتر نشر حاذق. ۹. ویژگی‌های امام حسین، ترجمه‌ی الخصائص الحسینیة، چاپ هشتم، نشر حاذق. ۱۰. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ۸۳۰ صفحه، چاپ هفتم. ۱۱. امام علی علیه السلام از ولادت تا شهادت، ۶۷۲ صفحه، چاپ چهارم، نشر دلیل ما. ۱۲. نگرشی نو بر سیما و سیره‌ی ریحانه پیامبر، ۸۳۰ صفحه، چاپ چهارم. ۱۳. در سوگ امیر آزادی، ترجمه‌ی «مثیر الأحران» ۴۶۰ صفحه، چاپ دوم. ۱۴. در رواق چشم‌های اشکبار، ترجمه‌ی «لهوف»، ۳۲۰ صفحه، چاپ دوم. ۱۵. فاطمه علیها السلام در سوگ عدالت، ترجمه‌ی بیت الأحران، چاپ دوم. ۱۶. واژه‌های قرآن در ترجمه‌ی مجمع

البیان، چاپ سوم. ۱۷. جلوه‌های عزّت و آزادگی در نهضت امام حسین، ۳۲۰ صفحه. ۱۸. فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، ۵۸۵ صفحه، چاپ چهارم، دفتر نشر نسیم انتظار، کتاب برگزیده، در دوازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن. ۱۹. نسیم بهشت، گزیده‌ی فاطمه علیها السلام از ولادت تا شهادت، گزینش و نگارش: دکتر سعیده کرمی، چاپ پنجم، دفتر نشر نسیم انتظار. ۲۰. ترجمه‌ی مجمع البیان، ۳۰ جلد، انتشارات فراهانی. ۵۰. منشور دادخواهی یا نگاهی نو بر خطبه‌ی معجزه‌آسای فاطمه علیها السلام، ۵۸۰ صفحه، چاپ اول، نشر دلیل ما. ۵۱. تفسیر بیان، گزیده‌ی ترجمه‌ی مجمع البیان، ۳۰ ج، گزینش، دکتر بیستونی. ۸۱. آموزه‌هایی از پیام‌های تاریخی قرآن، ۳۵۰ صفحه، دلیل ما. ۸۲. گهرهای درخشان از برترین‌های روزگاران، چاپ دوم. ۸۳. جلوه‌هایی از فروغ آسمان حجاز حضرت خدیجه، چاپ سوم، دلیل ما. ۸۴. اندیشه‌ی آزادی در نهج البلاغه، ۲۲۰ صفحه، چاپ دوم، دفتر نشر نسیم انتظار. ۸۵. پرتوی از پیام پیامبر یا برگردانی تازه از نهج الفصاحه، چاپ هشتم. ۸۶. قرآن با ترجمه‌ی دقیق و زیبای استاد کرمی فریدنی، ترجمه‌ی برگزیده‌ی سال ۱۳۸۵ با رتبه‌ی اول در همایش اهل قلم، چاپ دوم. ۸۷. فرهنگی از آموزه‌های محمد صلی الله علیه و آله یا نهج الفصاحه با ترجمه و ساماندهی موضوعی، ۹۰۰ صفحه، چاپ اول، نشر دلیل ما. ۸۸. زینب علیها السلام از ولادت تا شهادت، ترجمه و نگارش، ۶۰۰ صفحه، چاپ دوم. ۸۹. بانوی آفتاب، گزینش و نگارش، به کوشش معصومه فرهادی و مسعوده کرمی. ۲۷۲ صفحه، چاپ سوم، نسیم انتظار. ۹۰. داستان فرود یک آیه، یا گزارشی از آن گردهمایی تاریخ‌ساز ۱۴۴ صفحه، گزینش و ساماندهی خانم فرهادی، دفتر نشر نسیم انتظار. ۹۱. نگاهی نو به زندگی درخشان خدیجه علیها السلام، چاپ دوم، ۱۴۴ صفحه. ۹۲. آخرین پیام از اولین امام یا نگاهی تازه به وصیت‌نامه‌ی امام علی، نشر نسیم انتظار، کتاب برگزیده‌ی سال ۱۳۸۶ با رتبه‌ی اول در همایش اهل قلم. ۹۳. زلال جاری نماز در آینه‌ی قرآن و روایات، ۲۲۴ صفحه، چاپ سوم. ۹۴. دورنمایی از زندگی امام حسن علیه السلام، ۴۸۰ صفحه، چاپ دوم، دفتر نشر نسیم انتظار. ۹۵. فرجام پرشکوه تاریخ و آینده‌ی جهان، نشر نسیم انتظار. ۹۶. آخرین سفارش پیشوایان، دفتر نشر نسیم انتظار. ۹۷. نگاهی تازه به سیره و سخن امام علی علیه السلام، دفتر نشر نسیم انتظار. ۹۸. گرامیداشت قلم و آزادی و مسئولیت آن، دفتر نشر نسیم انتظار. ۹۹. زیباترین الگوی زندگی، ۱۹۲ صفحه، چاپ اول، نسیم انتظار. ۱۰۰. نگاهی نو به زندگی امام جواد علیه السلام، ۲۸۰ صفحه، چاپ اول، نشر نسیم انتظار. ۱۰۱. نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام، نشر نسیم انتظار.

[مراکز تهیه کتب مولف]

برای تهیه‌ی این کتاب‌ها: ۱. قم، دفتر فرهنگ و اندیشه ۲۹۲۳۶۷۲ - ۰۲۵۱ ۰۹۱۲۲۵۱۹۱۶۳ - ۲۹۲۳۶۷۲ - دفتر نشر نسیم انتظار ۲۹۲۳۶۷۲ - ۰۲۵۱ ۰۹۱۲۲۵۳۴۸۴۳ - ۳. قم، خیابان صفائیه، کوچه‌ی ممتاز پلاک ۷۵، ۷۷۴۹۱۱۴ - ۰۲۵۱ مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام همایش انجمن زنان مدیر کارآفرین استاد علی کرمی فریدنی

مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام (اجمالی)

مشخصات کتاب

نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام نویسنده: استاد علی کرمی فریدنی ناشر: نسیم انتظار طرح جلد: احسان کرمی * شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه صفحات: ۲۴ صفحه نوبت چاپ: اول چاپ: ولی عصر قطع: رقعی تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۸۸ بها: ۴۰۰ تومان همه‌ی حقوق برای نویسنده محفوظ است شابک: ۳ - ۱۷ - ۸۵۵۳ - ۹۶۴ - ۳ - ۷۱ - ۳۵۵۸ - ۴۶۹ ISN: مرکز پخش: قم سالاریه - خیابان نسترن - کوچه‌ی یاس - پلاک ۴۱ - تلفن: ۲۹۲۳۶۷۲ - ۰۲۵۱ همراه ۰۹۱۲۲۵۱۹۱۶۳

چکیده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ چکیده‌ی مقاله به همایش انجمن زنان مدیر کارآفرین (۷۰) «عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَدَّرْتُ أَنْ أَقْطَعَ، وَفَكَرْتُ ثُمَّ انْطَلَقْتُ، وَتَبَيَّنْتُ ثُمَّ اعْمَلْتُ» (۷۱) امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: طرح‌ها، و برنامه‌ها را نیک بسنج، آن‌گاه تصمیم بگیر و بفر، و بیندیش، آنگاه سخن بگو، و روشن ساز، آنگاه برای انجام کار اقدام کن. *** چهره‌های واقعی تاریخ‌ساز و انسان‌پرور جامعه‌ها، در شمار اندک هستند، و میان آنان، نوآوران و فرصت‌سازان و برانگیزانندگان ذوق‌ها و هنرها و شکوفاسازان اندیشه‌ها و استعدادها و پرورندگان نیروی انسانی شایسته و کارآمد، به ویژه از میان زنان، کمتر درخشیده‌اند، چراکه ستم تاریخی بر زن، و امواج سهمگین تبعیض و تعصب و خرافات، فرصت ظهور آفرینش و ابتکار، به ویژه در عرصه‌ی رهبری و مدیریت و کارآفرینی را به زن یا نیمی از پیکر جامعه نداده و جهان را از تلاش تاریخ‌ساز و جامعه‌پرداز گوهر وجود زن محروم ساخته است. در این میان، زنان نواندیش و تاریخ‌ساز و شخصیت‌پردازی چون بلقیس، آسیه، هاجر، ساره، مادر و خواهر موسی، مادر مسیح، خدیجه، فاطمه، زینب، ام‌کلثوم، فضه، اسماء و ... از آن نمونه‌های درخشان خرد و دانش و ابتکار و مدیریت و سازندگی و کارآفرینی هستند که متأسفانه در جامعه، به این وصف و ویژگی‌ها شناخته نشده‌اند. خدیجه علیها السلام از چهره‌های بی‌نظیر روزگار خویش در عالم دختران و زنان است، که پیامبر در وصف شکوه و معنویت او فرمود: «خَدِيجَةُ وَ أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ؟» (۷۲) کجا همانند خدیجه را می‌توان یافت؟ این بی‌همانندی در ابعاد گوناگون شخصیت جلوه‌گر است؛ در خرد بزرگ و دغدغه‌های فکری او، در خردمندی و خردورزی و هوشمندی و درایت او، در نواندیشی و نوگرایی او در آن جامعه و شرایط عقب‌مانده و تاریک‌اندیش و غرق در تعصب و خشونت؛ در کمال‌جویی و معنویت‌خواهی و منش اخلاقی و انسانی او؛ در استقلال‌جویی آزادیخواهی، آزادمنشی و بیستازی او در راه آزادی و آزادگی؛ در قدرت‌سنجش و مقایسه و در بهترین انتخاب‌هایش در محورهای مختلف و بر سر پیچ‌های حساس تاریخ؛ در عدالت‌طلبی، حق‌جویی، برابری‌خواهی و مبارزه‌ی آن بانوی عدالتخواه با ظلم و برتری‌جویی و نژادپرستی؛ در پاک‌روشی و پاکمنشی او، در آن شرایط تیره و تاری‌فروپاشی ارزش‌های معنوی و انسانی. در استقلال‌اندیشه و عمل و موضع‌گیری شجاعانه‌ی او به سود حق و دادگری و دادگستری؛ در همراهی و هم‌زمی او با پیامبر و مفتخر شدن به مقام مشاور و وزیر شایسته و کارآمد پیامبر؛ در نفوذ، اعتبار، امکانات او و تبدیل خانه و کاشانه‌اش به فروزشگاه دین خدا و پناهگاه پیامبر و مردم حق‌طلب، و پای این کار سترگ، دلیرانه ایستادن؛ در قدرت‌شگرف مدیریت اجتماعی و سیاسی و اقتصادیش؛ در کارآفرینی و گره‌گشایی او به خاطر بشردوستی و مردمخواهی؛ در رابطه‌ی سازنده‌ی او با خود، خدای خود، جهان خود و با نوع خود؛ و در بی‌همانندی او در مدیریت اقتصادی و بازرگانی و فرصت‌سازی و پرورش استعدادها و تربیت نیروی انسانی ماهر و درست رفتار و پروا‌پیشه و امانتدار؛ راستی، در روزگاری که زن، از طبیعی‌ترین حقوق انسانی، حتی حق زندگی محروم بود، و بدترین خشونت‌ها بر او روا شمرده می‌شد، چگونه و با چه ظرافت و درایتی دختری اندیشمند و پاک‌منش توانست حق استقلال و آزادی و انتخاب و برابری را به دست آورد و بزرگ‌ترین مؤسسه‌ی تجاری و بازرگانی و کارآفرینی شهر و دیارش را با درایت و موفقیت و خوشنامی در منش و کار، مدیریت نماید؟ اینها نکات ظریفی است که برای زن نواندیش و کمال‌طلب و پاک‌منش امروز و فردا و فرداها درخور شناخت و الهام و درس گرفتن است، و در این همایش، به خواست خدا، سخن این جانب در این مورد خواهد بود. قم، دفتر فرهنگ و اندیشه، علی کرمی فریدنی ۱۰/۱۰/۸۶ مدیریت و کارآفرینی بانوی آزادی، خدیجه علیها السلام همایش انجمن زنان مدیر کارآفرین را - که گامی است مدنی و متمدنانه و ارزشمند در راه رشد و شکوفایی جامعه و استقلال و امنیت و برابری و تأمین حقوق و کرامت انسان، بر همه‌ی نواندیشان و کمال‌جویان به ویژه شما بانوان آگاه و پرتلاش و حق‌جو و و معنویت‌خواه و با تدبیر تبریک عرض می‌کنم، و در این راه دشوار، اما ارزشمند و زندگی‌ساز، با همه‌ی وجود برایتان آرزوی موفقیت و پیشرفت می‌نمایم؛ و از بارگاه خدای دادگر و دادگستر، روز و روزگاری را خواهانیم که زن و مرد و پیر و جوان و کودک و کهنسال جامعه‌ی ما - که به بیان

زیبای امام علی، یکسره برادر و خواهر دینی و نوعی و دارای حقوق و کرامت و حرمت برابر (۷۳) هستند - از امکان اشتغال آبرومندانه و درآمد کافی و امنیت فکری و شغلی و اقتصادی و اجتماعی - که از طبیعی‌ترین حقوق شهروندی و اساسی‌ترین حقوق بشر است - بهره‌ور گردند و بدون دغدغه‌ی نان و جان، در راه سرفرازی خود و جامعه و جهان خود بکوشند.

بحثهای در خور طرح]

اشاره

در این نشست فرهنگی و مذهبی سه بحث در خور طرح است: ۱. نگاهی کوتاه به اصول و ارکان مدیریت، ۲. نگاهی به اندیشه و منش و ویژگی‌های بزرگ بانوی خردمند و نواندیش حجاز، خدیجه علیها السلام که از پیش‌تازترین زنان در مدیریت و مهندسی اجتماعی و اقتصادی و کارآفرینی بود. ۳. نیم‌نگاهی به مدیریت اقتصادی و تجاری و کارآفرینی او.

۱. اصول و ارکان مدیریت

مدیریت عبارت از دانش و هنر برنامه‌ریزی، ایجاد تشکل و هماهنگی و قدرت رهبری و کنترل تلاش‌های گوناگون به منظور رسیدن به هدفی معلوم است. (۷۴) با این بیان در هر مدیریت موفق و مرقی، ارکان و اصولی ضروری است که با ضعف یا فقدان هریک از آنها، آن جامعه یا آن سازمان و تشکیلات، نه تنها به هدفهای خود نخواهد رسید که باعث سردرگمی، ضایعات و تلفات و عقب‌ماندگی و در نهایت فروپاشی خواهد شد. این اصول و ارکان عبارتند از: ۱. برنامه‌ریزی، که هدف یا هدفهای تشکیلات و تهیه برنامه‌ی کار و نقشه‌ی و چگونگی رسیدن به هدف را نشان می‌دهد. ۲. پس از آماده شدن برنامه، اصل سازماندهی - که عبارت از یگانه‌سازی و جهت دهی و به کارگیری نیروی انسانی، مالی و وسایل و تجهیزات برای رسیدن به هدف مقرر، در قالب بهترین روش و مؤثرترین شیوه است - ضرورت می‌یابد. ۳. همراه دو اصل برنامه‌ریزی و سازماندهی، ایجاد انگیزه در همکاران و کارکنان برای چگونگی عملکرد و حرکت به سوی هدف، ضرورت می‌یابد، چراکه میزان انگیزه و عملکرد آنان روشن می‌سازد که رسیدن به هدف یا هدفهای ترسیم شده چه قدر، و در چه زمان و در چه کیفیتی خواهد بود. آنان ممکن است با ۹۰ درصد دقت و مهارت و دلسوزی و توانایی خود یا با ۲۰ درصد از آنها کار کنند. پس ایجاد انگیزه و تعمیق آن در کارکنان، در مدیریت کارکردی بی‌نهایت مهم و حیاتی است. به همین جهت مدیریت مرقی و ماهر، یا منحط و عقب افتاده هر کدام به سبک خود برای ایجاد انگیزه تلاش می‌کنند. برخی با برقرار ساختن ارتباط آزادمنشانه، رهبری درست کارها، همراهی و همدلی مستقیم یا غیر مستقیم، مسئولیت‌پذیری و محاسبه، ایجاد مشارکت و پاداش و تویخ سنجیده، در بالابردن انگیزه می‌کوشند و برخی با ارباب و خشونت و شیوه‌های پلیسی و منحط‌تر از آن. ۴. و همراه سه اصل برنامه‌ریزی، سازماندهی، و ایجاد انگیزه در کارکنان، اصل مهم دیگر در مدیریت موفق و مرقی، اصل کنترل می‌باشد، که عبارت است از توجه جدی به رهاورد کار، و مقایسه‌ی پی‌گیر کارهای انجام شده با برنامه‌ها و اعمال اصلاحات لازم در لغزشها و اشتباهاتی که از انتظارات و هدفها پیش آمده است.

۲. نگاهی به اندیشه و منش مرقی خدیجه علیها السلام

اشاره

پیامبر گرامی - که به گواهی قرآن، دقیق و سنجیده وصف و نقد می‌کرد - در سخنی کوتاه فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا: مَرْيَمَ وَآسِيَةَ وَخَدِيجَةَ وَفَاطِمَةَ» (۷۵) خدا از میان زنان نواندیش و تاریخساز، چهار زن را برگزید و نمونه‌ی درخشان تاریخ قرار

داد: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه. و نیز هنگامی که به مناسبتی از خدیجه سخن به میان آمد، فرمود: «خَدِجَةُ وَآيَنَ مِثْلُ خَدِجَةٍ؟ صَدَّقْتَنِي حِينَ كَذَبَنِي النَّاسُ، وَوَزَّرْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ، وَأَعَاتَنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا» (... ۷۶) از «خدیجه» سخن گفتید؟ کجا همانند آن بانوی خرد و پروا پیدا می‌شود؟ او بود که در آن شرایط بحرانی - که مردم در دعوت توحیدی و آزادیخواهانه‌ی من، مرا دروغگو می‌انگاشتند - با شهادت و ابتکار و راستی و درستی مرا گواهی کرد، در راه دین خدا و پیشرفت آن، بار گران وزارت و همراهی مرا با درایت و توانمندی به دوش کشید، و با دارایی هنگفت خویش مرا در راه هدف‌های خداپسندانه مدد رساند ... در جامعه‌های پیشرفته به خاطر ایجاد انگیزه و ترغیب مردم به فراگیری دانش و بینش و هنر و تخصص و مبارزه در راه حقوق و آزادی دیگران و نهادینه ساختن این ارزش‌های والای انسانی و جهانی، برخی را با معیارهایی سنجیده، به عنوان برترین‌ها برمی‌گزینند و از تلاش و مبارزه‌ی سترگ آنان تجلیل می‌کنند، و برابر این روایت درس آموز، آفریدگار انسان این زنان اندیشمند و تاریخ ساز را به عنوان برترین‌ها در درایت و مدیریت و دانش و پروا و آراستگی به معنویت و اخلاق برگزید. تحلیل رشد و اوج این بانوان نامدار و تاریخ ساز در گرو این حقیقت است که به خاطر داشته باشیم که سرشت بشر از دو بُعد تشکیل شده است: بُعد حیوانی و بُعد انسانی. زن بودن و مرد بودن وی، از بُعد حیوانی بشر ریشه می‌گیرد. بُعد انسانی انسان، زن و مرد ندارد و برتر از این دو می‌باشد. عقل و خرد، نواندیشی و نوگرایی، داد و دهش، جود و کرم، عفو و گذشت، حلم و بردباری، رادی و شکیب، وفا و صفا، آینده‌نگری و قابلیت نامتناهی برای تکامل و درایت و مدیریت از ویژگی‌های انسانی انسان است و نه از بُعد حیوانی انسان. اگر فردی از بشر بتواند با مدیریت درست علمی و عملی، بُعد انسانی خود را در زندگی داور و مدیر قرار دهد و بُعد حیوانی خود را فرمانبردار آن سازد، و در دنیای پر اسرار وجود خود، تعادل و توازن ایجاد کند و از بلای افراط و تفریط برهد، انسانی کامل خواهد بود، چرا که او در حقیقت وجود خویش را حیوان‌زدایی کرده است. در آن صورت است که اگر زن باشد بالاتر از زنان و مردان و اگر مرد باشد برتر از مردان و زنان خواهد شد. انسان، انسان است، نه زن است و نه مرد، چنانچه فرشته، فرشته است نه زن است و نه مرد و انسان کامل از فرشته برتر است. چون انسان کامل، حیوان‌زدایی کرده است، اما فرشته، دارای این فضیلت و درایت نیست.

برترین زنان روزگار

اشاره

قرآن و روایات بیانگر این حقیقت است که در تاریخ بشر، زنانی چند به پرفرازترین مقام والای انسانی اوج گرفتند، و برترین انسانهای روزگار شدند؛ همانگونه که مردانی این راه دشوار را پیموده و به پرفرازترین قله‌ی معنویت و کمال و منش مرقی اوج گرفته‌اند.

[۱- آسیه همسر نواندیش و عدالت‌خواه فرعون مصر]

نخستین این زنان کمالجو و آزادیخواه و استبدادناپذیر، آسیه همسر نواندیش و عدالت‌خواه فرعون مصر بود که با دفاع از حق حیات و زندگی موسای کلیم، راه را برای نجات و سعادت و پیشرفت بشر، در آن فضای تیره و تاریک حاکمیت استبداد و اختناق گشود و با مراقبت و نگهداری دلسوزانه و دلیرانه از کودک بی‌پناه نیل و حمایت از حقوق کودک، خدمتی بزرگ و وصف‌ناپذیر به آیندگان کرد، و به صورت الگوی ستم‌ناپذیران و حق‌طلبان و مدافعان راه آزادی و حقوق بشر و حقوق کودک در تابلو قرآن برای همیشه درخشیدن آغاز نمود: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ

« (۷۷...) و خدا برای کسانی که ایمان آورده‌اند، نمونه‌ای آورده است؛ زن فرعون را آن‌گاه که گفت: پروردگارا! برای من در بارگاه خود، در بهشت [پر نعمت و زیبا] خانه‌ای بساز و مرا از [بیداد] فرعون و کردار او برهان، و مرا از دست مردم ستمکار نجات بخش.

[۲- مریم علیها السلام]

دومین آنان مریم بود، که عیسای مسیح را در آن شرایط دشوار تاریخ بشر، به همراه آیین صلح و بهروزی و روش دل‌انگیز مهر و مدارا و مردم‌نوازی، بسان نسیمی جانبخش در آن توفان بی‌مهری‌ها و بیدادها و تندخویی‌ها، به جهان خشن و تندخوی بشریت استبدادزده و در اسارت جهل و جنون تقدیم داشت، و پا به پای او به تلاش فکری و فرهنگی و اخلاقی و روشنگری و الگودهی همت گماشت تا مسیر تاریخ را از ریل انحطاط و بدبختی و خشونت بی‌حاصل و ویرانگر، به ریل مهر و محبت و رشد و بهروزی و خردورزی و بشردوستی و صلح و آزادی هدایت کند. «وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتِ مِنَ الْقَائِمِينَ» (۷۸) و [نیز خدا برای کسانی که ایمان آورده‌اند] مریم، دختر عمران را، [نمونه‌ای آورده است؛] همان کسی که دامن را [پاک] نگاه داشت، و در او از روح خود دمیدیم، و سخنان پروردگارش و کتابهای او را تصدیق نمود و [هماره] از فرمانبرداران بود.

[۳- خدیجه علیها السلام]

سومین زن تاریخ‌ساز و معنویت‌پرداز، در زبان و فرهنگ اسلام، بانوی آگاه و تواندیش و پروا پیشه‌ی حجاز خدیجه بود. او با درایت و مدیریت و انتخاب شایسته‌ی راه زندگی، یار پرمهر و پشتیبان پر اعتبار و پر معنویت محمد صلی الله علیه و آله شد و شریک دغدغه‌های او در کار سترگ دعوت جامعه و مردم به توحید و تقوا و معنویت و اخلاق و آزادی و آزادگی گردید، و با زبان رسا و منش مرقی و رفتار و برنامه‌ریزی زیبا در این راه نمونه شد. امیرمؤمنان در مورد نواندیشی و پیشستازی او فرمود: «وَلَقَدْ كَانَ يَجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِحَرَاءِ فَأَرَاهُ، وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي. وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَخَدِيجَةُ» (... ۷۹) پیامبر چند ماه از سال را در غار «حرّاء» می‌گذراند، و در آنجا تنها من او را می‌دیدم. در آن روزها در هیچ خانه‌ای جز خانه‌ی پیامبر - که بزرگ بانوی آزادی و معنویت خدیجه هم در آنجا بود - نور اسلام و ایمان و آزادی راه نیافته بود، و من در آن شرایط دشوار سومین آن دو بزرگ‌منش بودم که در راه ساختن جامعه و دنیایی نو در تلاش بودند.

[۴- فاطمه علیها السلام]

و چهارمین این زنان پرشکوه و بزرگ‌منش، فاطمه علیها السلام، دخت سرفراز همین مادر با معنویت بود که از زبان سنجیده‌گوی پیامبر، عنوان پر افتخار سالار زنان عصرها را در میدانهای گوناگون، لقب گرفت. «يَا فَاطِمَةُ! أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؟» (۸۰) فاطمه جان! آیا نمی‌خواهی سالار بانوان گیتی باشی؟ هر یک از این چهار بانوی نامدار، حقی بس بزرگ بر فرهنگ و تمدن و رشد و پیشرفت انسانی دارند؛ چراکه در استوار کردن راه سعادت و کمال و اوج بشر تلاشی سترگ نموده و نقشی سرنوشت‌ساز داشته و دارند. اسناد معتبر حدیثی و تاریخی نشانگر آن است که این زنان افتخار آفرین نخست دنیای وجود خویشان را به صورت اندیشمندانه و مرقی مدیریت کردند و با خودیابی و خودشناسی و خودسازی به خود شکوفایی اوج گرفتند، و آن‌گاه توانستند جامعه و جهان استبدادزده و دربند جهل و خرافه و در اسارت تعصب و خشونت خود را به سوی سعادت و نجات

و رشد و شکوفایی و مهر و مدارا و اخلاق و معنویت، مدیریت کنند و در پیکار سرنوشت، همراهی و همگامی برترین پیامبران و اصلا‌حگران و خردسازان را برگزینند. آنان هر کدام انسانی نواندیش و آزادیخواه و آراسته‌ی به خرد و کمال و منش و اخلاقی مرقی بودند که نه تنها در روزگار خویش، نقش والا و سرنوشت‌سازی در آزادی و نجات و سرفرازی و رستگاری مردم خویش ایفا نمودند، که چراغ فروزانی فرراه آیندگان شدند و اخلاق و منش مرقی را به بشریت هدیه کردند، به گونه‌ای که هم اینک هم جهان و جهانیان، آنان را سمبل راستی و وفاداری و نیک‌اندیشی و مدیریت و مدارا و اخلاق و معنویت می‌نگرند و برنامه و کتاب و راه و رسم آنان را می‌ستایند، و هر بام و شام، نام بلند آنان را بر پرفرازترین مناره‌های گیتی به عظمت طنین‌افکن می‌سازند و از خدای آنان و روح بزرگ آنان قوت قلب می‌جویند. راز گزینش خدیجه به عنوان برترین زن تاریخ دقت در اسناد روایی و تاریخی معتبر، معیار برتری و راز گزینش خدیجه به عنوان برترین زن تاریخ را این‌سان نشان می‌دهد: ۱. نواندیشی و نوگرایی او در آن جامعه و شرایط عقب‌مانده و تاریک‌اندیش و غرق در تعصب و خشونت روزگار خویش. ۲. خردمندی و خردورزی و هوشمندی و درایت او، در آن حال و هوایی که مدیریت جان‌ها و جامعه‌ها، به جای خردها و وجدانها، در دست کشش‌ها و تمایلات سرکش بود. ۳. قدرت سنجش و مقایسه و بهترین انتخاب در سه محور حساس، همچون: دین و آیین یا راه زندگی، گزینش شریک زندگی، هزینه نمودن آن ثروت هنگفت، آن هم در آن محیط و دنیایی که دنباله‌روی از بت‌نیاکان و زورمداران و آداب و رسوم رایج و غالب، نه تنها وظیفه که ملاک برتری و جواز ادامه‌ی حیات هم بود. ۴. عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی، حق‌جویی، برابری‌خواهی و مبارزه‌ی با ظلم و برتری‌جویی و نژادپرستی. ۵. پاک‌روشی و پاک‌منشی، در آن شرایط تیره و تاریک فروپاشی ارزش‌های انسانی. (۸۱) ۶. استقلال در اندیشه و عمل و موضع‌گیری شجاعانه به سود حق و عدالت و آزادی، در پیکار استبداد و آزادی. ۷. همراهی و هم‌رزمی با پیامبر و مفتخر شدن به مقام مشاور، وزیر شایسته و کارآمد او. ۸. نفوذ، اعتبار، امکانات و خانه‌ی خویش را به فروزشگاه دین و آیین و پناهگاه پیامبر و مردم حق‌طلب و بی‌پناه تبدیل ساختن، و پای این کار سترگ، دلیرانه مقاومت و ایثار نمودن. ۹. قدرت شگرف مدیریت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی. ۱۰. کارآفرینی و گره‌گشایی به خاطر بشردوستی و مردمخواهی.

۳. نیم‌نگاهی به مدیریت اقتصادی و کارآفرینی او

اشاره

اگر پژوهشگری به زندگی درخشان بانوی بزرگ تاریخ اسلام و عرب، خدیجه علیها السلام و موفقیت و شکوه او در ابعاد گوناگون زندگی بنگرد، و راز استقلال و آزادگی او را بجوید، همین دانش و هنر برنامه‌ریزی، یگانه‌سازی نیروها، دمیدن روح انگیزش در کارکنان و قدرت کنترل کارها و اصلاح امور و دیگر هنرها و مهارت‌های مدیریت را در زیباترین چهره‌اش در منش و روش مرقی و با معنویت و زیبای او خواهد یافت. مدیریت او افزون بر اصول و ارکان مدیریت ظاهری، مدیریتی آزادمنشانه و عادلانه و مدیریت بر قلب‌ها بود، که مدیریت و کارآفرینی که موضوع این همایش است، بخشی از شاهکار شگرف اوست.

[ویژگی‌های حضرت خدیجه سلام الله علیها]

اسناد روایی و تفسیری و تاریخی بیانگر این حقیقت است که: ۱. خدیجه علیها السلام، دختری اندیشمند و صاحب ثروت و امکانات بود و به تجارت گسترده‌ای اشتغال داشت و پس از ایمان به راه و رسم مرقی و انسان‌پرور پیامبر آزادی، تمام آن ثروت و اعتبار و تجربه و کارایی را در اختیار پیشوای آزادی نهاد. پیامبر، در حق‌شناسی از جهاد اقتصادی او در راه پیشرفت اندیشه‌ی آزادی‌بخش و

انسان پرور دین خدا فرمود: «ما قامَ وَلَا اسْتَقَامَ الدِّينُ إِلَّا بِسَيْفِ عَلِيٍّ وَ مَالِ خَدِيجَةَ» (۸۲) اسلام پس از فرود بر قلب و زبان پیامبر، با دو عامل اساسی، گسترش و پایداری یافت: شهادت علی، و جهاد اقتصادی خدیجه. و نیز فرمود: «ما نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلَ مَالِ خَدِيجَةَ» (۸۳) هیچ ثروت و امکاناتی در زندگی اجتماعی و تربیتی‌ام به هدف‌های والای من بسان ثروت «خدیجه» سودبخش و سود رسان نبود. در جریان محاصره‌ی چند ساله‌ی پیامبر به همراه یاران در دره‌ی ابوطالب، یکی از عوامل پایداری پیامبر و مردم آزادخواه و به شکست کشاندن تلاش واپس‌گرایانه‌ی محافظه‌کاران و جریانهای خمود و خشونت‌کیش، بخشندگی و بزرگ‌منشی ابوطالب و بلند نظری و جهاد اقتصادی خدیجه بود، «وَأَنْفَقَ أَبُو طَالِبٍ وَ خَدِيجَةُ جَمِيعَ مَالَهُمَا» (۸۴) ۲. او در مدیریت اقتصادی خویش، همکاران و عوامل اجرایی را، از میان انسان‌های سالم و امانتدار و درستکار و آزمون‌شده و ریشه‌دار به همکاری دعوت می‌کرد و خود در دفتر کارش می‌نشست و این کاروان عظیم تجارتي را با سرانگشت نیرومند تدبیر و قدرت گره‌گشای مدیریت و درایت خویش به حرکت می‌آورد و به کارهای اقتصادی خویش سامان می‌بخشید. داستان پیشنهاد ابوطالب به او برای گزینش محمد صلی الله علیه و آله به کار در کاروان تجارتي‌اش، و استقبال وی از آن پیشنهاد در روایات آمده است. ۳. او، در آن روزگار ضعف درایت و مدیریت، از اصل ایجاد انگیزه در کارکنان و همکاران بهره می‌جست، که پیامبر در حق‌شناسی از بخشش و بزرگ‌منشی او در این راه فرمود: «مَا رَأَيْتُ مَنْ صَاحِبِيٍّ لِأَجِيرٍ خَيْرًا مِنْ خَدِيجَةٍ، مَا كُنَّا نَزُجُّعُ أَنَا وَ صَاحِبِي إِلَّا وَجَدْنَا عِنْدَهَا تُحَفَّهُ مِنْ طَعَامٍ تَخْبَأُهُ لَنَا» (۸۵) من کارفرمایی حق‌شناس‌تر و بهتر از خدیجه نسبت به کارکنان و کارگزاران و همکارانش را ندیدم. هر گاه من و دوستم پس از کار، نزد او می‌رفتیم، می‌دیدیم غذای گوارایی را که به اشاره‌ی او برای ما آماده شده بود، آن را به ما هدیه می‌نمود و بزرگ‌منشانه و انسانی رفتار می‌کرد. ۴. برابر اسناد تاریخی و روایی موجود، او در مدیریت موفق و متری خویش از اصل نظارت و کنترل در مورد برنامه‌ها و مدیران و کارکنان خویش بهره می‌جست. هم توجه جدی به رهاورد کار داشت، و هم به صورت دقیق و پی‌گیر کارهای انجام شده را مقایسه می‌نمود و هم در صورت لزوم، اصلاحات لازم را اعمال می‌کرد تا از اشتباه و انحرافی که در پروژه‌ها و برنامه‌ها و هدفها پیش می‌آمد جلوگیری کند. داستان گماشتن بازرس ویژه‌اش «میسره» به نظارت بر منش و رفتار محمد و دستور تهیه‌ی گزارش دقیق کتبی و نه شفاهی، برای او در اسناد تاریخی آمده است، که در درایت و مدیریت او، آن هم در آن زمان، جالب و آموختنی است. ۵. او در برنامه‌ریزی از مشاوران کاردانی بهره می‌جست و چنان بود که انتخاب وقت و فرصت، نوع کالا و مقدار آن، حرکت و بازگشت و توقف کاروان را با آگاهی از زمان و مکان، به گونه‌ای تنظیم و تدبیر می‌کرد که شگفتی همگان را برمی‌انگیخت و کاروان بزرگ تجارتي‌اش همواره در راه بود، و از یمن به حجاز و از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و مبادلاتی جهان عرب می‌رفت، و سود سرشار و عادلانه با خود می‌آورد. اگر به شرایط آن روز جهان و نیز دنیای عرب و قلمرو حجاز در آن روزگاران آشنا باشیم، و نیز اگر اسارت و محرومیت کامل «زن» از حقوق انسانی و اجتماعی‌اش را به یاد داشته باشیم، و اگر زنده به گور شدن دختران را به خاطر بیاوریم، آن‌گاه اداره‌ی چنین شریان مهم اقتصادی به وسیله‌ی یک دختر هوشمند و پاک‌منش و به مدیریت توانمند و تدابیر ظریف و دقیق اقتصادی و اجتماعی او، ما را به شخصیت برجسته و ابتکار در کارها و روح مدیریت و سازنده‌ی او رهنمون می‌شود و درمی‌یابیم که به راستی او در آن روزگاران، خردمندترین و مدبرترین و کارآمدترین بانوی جهان خویش بود. «دکتر محمد عبد یمانی» در این مورد می‌نویسد: خدیجه، این بانوی آگاه و پاک‌سرشت که حق‌گرایی، فضیلت‌طلبی، نواندیشی و عشق به کمال و پیشرفت از ویژگی‌هایش بود، از همان روزگار جوانی، یکی از دختران نامدار و با فضیلت حجاز و عرب به شمار می‌رفت. او در جهان عرب نخستین زن توانمندی است که در اقتصاد و تجارت و مدیریت درخشید و در این راه شخصیت منطقه‌ای و شهرت جهانی به هم زد؛ به گونه‌ای که نام بلند او در تاریخ عرب و در آثار و نوشته‌های تاریخ‌نگاران پیش از اسلام نیز با شکوه و عظمت و به عنوان یک قهرمان بزرگ ملّی و یک مدیر توانمند و با معنویت آمده است. ۶. او در کار تجارت و مدیریت خویش بر اساس همان بینش و منش برجسته‌اش - که پاک‌روشی و پاک‌منشی و راستی و درستی و

عدالتخواهی و ستم‌ستیزی بود - گام برمی‌داشت و هر گز به هر قیمتی و هر بهایی، سود نمی‌جست و در آمد نمی‌خواست. هر گز بسان برخی زورمداران و زرپرستان روزگار ما، تجارت را به عنوان وسیله‌ای برای به دست آوردن درآمدهای سرشار، اما ظالمانه و ضد مردمی و به هر شکل و از هر راه نمی‌پسندید. هر گز در اندیشه سودجویی و منفعت‌طلبی‌های فردی و شخصی و بی‌رویه و بی‌ضابطه و به بهای فقر و فلاکت و اسارت و نگونسازی مردم خویش نبود، بلکه همواره در تلاش بود تا مدیریت اقتصادی و کار تجارت و بازرگانی‌اش به دور از هر گونه تخلف اقتصادی و پاک از هر نوع آلودگی‌های مالی و به دور از هر گونه درآمدهای بادآورده و ظالمانه باشد، و راهی برای رشد و گامی برای پیشرفت جامعه و دنیای خویش. از این زاویه بود که برخلاف رسم رایج بازار روزگارش، او از احتکار و انحصار، کم‌فروشی و فریب، رباخواری و بهره‌کشی‌های ظالمانه‌ی رایج و از هر نوع حرام‌خوارگی مری و نامری و سوء استفاده از فرصت و اعتبار و امکانات برای انباشتن ثروت دوری می‌جست، و کار پر شرافت خویش را به این گناهان بزرگ آلوده نمی‌ساخت و به کارگران و کارمندان و مدیران تحت فرمانش نیز هشدار می‌داد که داد و ستد و سود و درآمد را در پرتو درایت و صداقت و هوشمندی و هنر و از راههای مشروع و عادلانه‌ی تجارت و صادرات و واردات و تولید و توزیع و خدمت به کشور و ملت خویش و تعهد و تخصص بجویند، نه از هر راهی. ۷. او، به دلیل همین بینش و منش مرقی و ویژگی‌های اخلاقی و انسانی و مدیریت منطقی و خردمندانه نیز نه تنها اعتماد بازارهای داخلی، بلکه بازارهای منطقه‌ای را نیز به دست آورده و راه پیشرفت و ترقی و رشد را برای دیگران هم گشود، و آن گاه موفقیت بود که از پی موفقیتی دیگر و سود سرشار بود که از پی سودی دیگر می‌رسید و کاروان‌های تجاری او بود که مورد استقبال بازارهای مصر و یمن و شام و حبشه و ... قرار می‌گرفت، چرا که او در خوشنامی و جلب اعتماد گوی سبقت را از همگان ربوده بود. (۸۶) ۸. برابر اسناد موجود، او مدیری آگاه و دلسوز و کارآفرین بود. به همین جهت قراردادهای ابتکاری و متنوعی با افراد می‌بست و با تسهیلاتی جالب و عادلانه آنان را به کار می‌گماشت. برخی را که دارای روح ابتکار و استقلال بودند، با اعطای سرمایه و تسهیلات، با قراردادی شبیه مضاربه به همراه کاروان خویش می‌فرستاد، و برخی را به صورت حقوق بگیر. از این راه در درجه‌ی نخست، بر مال حلال خویش می‌افزود و در درجه‌ی دوم، بر اقتصاد جامعه، خون مفید و ثروت سالم تزریق می‌کرد و در درجه‌ی سوم، گروهی را به خاطر همراهی با کاروان بزرگ خویش اداره می‌کرد و برای آنان کار می‌آفرید، و در درجه‌ی چهارم، نیازهای متنوع مردم به کالا- و وسایل زندگی را برطرف می‌ساخت و بهتر و مطلوب‌تر از همه به ندای استقلال‌طلبی و آزادمندی و آزادیخواهی و ستم‌ستیزی و ناسازگاری خویش با روزگارش پاسخ می‌داد. اگر شرایط رباخواری و بردگی آن روز عرب و آیات قرآن در این زمینه را بنگریم که چگونه و در چند مرحله به جنگ این آفت بزرگ اجتماعی رفته است، آن گاه بیشتر به عظمت این بانوی خوش‌فکر و روح خلاق و مبتکر او پی می‌بریم و با درایت و مدیریت تحسین‌برانگیزش در اقتصاد و تجارت و کارآفرینی آگاه می‌گردیم. از پایان فرصتی که داده شد و ده دقیقه‌ای هم بر آن افزون گردید و باز هم سخن ناتمام ماند، سپاسگزارم. با آرزوی موفقیت برای انجمن زنان مدیر کارآفرین، و دیگر انجمن‌های مردمی در جهت رشد و شکوفایی و پیشرفت جامعه به ویژه زنان و دختران معنویت‌خواه و آزادمند. علی کرمی فریدنی تابستان ۱۳۸۶ در این فایل: ۱. نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام ۶۴ صفحه ۲. گزیده‌ی آن برای تهران در قالب مقاله در ۲۰ صفحه و به نظر نگارنده، هردو عالی است، اما مقاله‌ی نخست جامع است.

پی‌نوشتها

۱ (Anotates) وَ أَشْعَرَ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَعْتِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ ... دلت را کانون مهر و محبت مردم ساز و با آنان به مهربانی و بشردوستی رفتار کن؛ مباد نسبت به آنان بسان درنده‌ای خون‌آشام باشی که خوردنشان را غنیمت شماری، چرا که آنان دو دسته‌اند: یا برادر و خواهر دینی

تو هستند و یا آفریده‌ای بسان تو؛ لغزش‌هایی از آنان سر می‌زند و ناروایی‌هایی از اجتماع، به عمد و خطا - به آنان سرایت می‌کند و به خلافی دست می‌آیند؛ پس تو نسبت به آنان با تساهل و بخشش رفتار کن؛ همان‌گونه که دوست داری خدا با تو به تساهل و بخشش رفتار کند ... نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳. ۲) اخلاق مدیریت، ص ۱۲؛ رهبری و مدیریت، ص ۲۲. ۳) سازمان و مدیریت، انتشارات دانشکده‌ی علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، چاپ هفتم ص ۴۰۱) فرهنگ معین و لغت‌نامه‌ی دهخدا، واژه‌ی مدیر. ۵) امام علی چه زیبا فرمود که: «أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسِمَةَ لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يَقَارُوا عَلَى كَظْمِهِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا ... وَلَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَزْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَقْطِهِ عَنَزٍ» نهج‌البلاغه، خ ۳. آگاه باشید! به خدایی که هسته را شکافت و جان را آفرید، اگر نه این بود که این جامعه و مردم، گردم را گرفته و پذیرش مسئولیت اداره‌ی جامعه را خواهند، و اگر نه این بود که با وجود یاران راه، حجت تمام شده، و اگر خدا از دانشمندان پیمان نگرفته بود که در برابر شکمبارگی ستمکاران و گرسنگی ستمدیدگان بی‌تفاوت نباشند، من زمام امور را رها می‌ساختم و پایانش را با جام آغازین آن یک‌جا در آب می‌افکندم؛ آن‌گاه نیک می‌دیدید که این دنیای شما با همه‌ی رزق و برق آن در نظر من از عطسه‌ی بُری بی‌ارزش‌تر است. ۶) گستره‌ی قلب خویش را کانون محبت مردم ساز و با آنان به مهربانی و نرمش رفتار کن؛ مباد نسبت به آنان بسان درنده‌ای شکارافکن باشی که خوردنشان را غنیمت شماری، چرا که آنان دو دسته‌اند: یا در دین با تو برادرند و یا در آفرینش برابر ... نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳. ۷) مَا ظَفَرَ مَنْ ظَفَرَ الْبِائِثُ بِهِ، وَالْغَالِبُ بِالْشَّرِّ مَغْلُوبٌ آن‌که گناه بر او چیره شود، پیروز نیست، و آن‌که به وسیله‌ی بدی چیره گردد، شکست خورده است. نهج‌البلاغه، قصار ۳۲۷. ۸) أَلَلَّهْم ... وَالْمُغْنِ الْحَقُّ بِالْحَقِّ» خداوندا، شریف‌ترین دروده‌ایت را به همراه بالنده‌ترین برکات بر محمّد، بنده و فرستاده‌ی خودت، مقرر فرما که سلسله‌ی بعثت را حلقه‌ی آخرین بود و با شکستن بن‌بست‌ها آغازگر راهی نوین. او حقیقت را تنها به وسیله‌ی روش و منش و آهنگ حق اعلام کرد ... نهج‌البلاغه، خ ۲۷. ۹) به هوش باشید که معاویه انبوهی از مردم ناآگاه را به دنبال خود می‌کشد و حقیقت را زیر پرده‌ی تزویر و تحریف از آنان می‌پوشاند و به گونه‌ای در مغز آنان دستکاری می‌کند که با دنباله‌روی کورکورانه از او، خرخره‌های خود را برای پیشبرد هدف‌های سلطه‌جویانه‌ی او در برابر تیرهای مرگ می‌سپارند و خود را به کام هلاکت می‌افکنند. نهج‌البلاغه، خ ۵۱. ۱۰) اخلاق مدیریت، ص ۱۲. ۱۱) فروغ آسمان حجاز خدیجه ۳، ص ۲۵ از همین قلم کتاب برگزیده‌ی سال ۱۳۸۴. ۱۲) بحار، ج ۴۳، ص ۱۳۰ به نقل از: فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، ص ۲۵۹ از همین قلم. ۱۳) تفسیر روح المعانی، ج ۳، ص ۱۵۵؛ دَرِّ الْمُنْثُور ذیل آیه‌ی ۴۲ از آل عمران. ۱۴) بحار، ج ۴۳، ص ۵۳ - ۵۴. ۱۵) تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۵۵. ۱۶) ترجمه‌ی مجمع البیان، ج ۲۸، ص ۱۱۰۱، به همین قلم؛ الکشاف، ج ۴، ص ۵۷۳. ۱۷) تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۱۳۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۹. ۱۸) الْأَنْوَارُ السَّاطِعَةُ مِنَ الْغَرَاءِ الظَّاهِرَةِ، ص ۷. ۱۹) بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۸ عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۴۱ فاطمة الزهراء علیها السلام من المهد إلى اللحد، ص ۳۲. ۲۰) بحار، ج ۱۶، ص ۷ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۱۲ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۳۸. ۲۱) ترجمه‌ی مجمع البیان، ج ۲۸، ص ۱۱۰۱، به همین قلم؛ الکشاف، ج ۴، ص ۵۷۳. ۲۲) تحریم، آیه‌ی ۱۱. ۲۳) تحریم، آیه‌ی ۱۲. ۲۴) که امیرمؤمنان در تحلیل آن شرایط و فضا می‌فرماید ...: «بَارِضٍ عَالِمُهَا مُلْجَمٌ وَ جَاهِلُهَا مُكْرَمٌ» ... در آن روزگار سیاه، مردم در کنار بهترین خانه و بدترین همسایه‌ها بودند؛ خوابشان بیداری بود و سرهمی چشمشان اشک. در سرزمین و شرایطی تیره به سر می‌بردند که دانشمند و نواندیش از ترس جان لب فرو بسته بود و فرومایه و دنباله‌رو گرامی و میدان‌دار و صاحب امکانات بود. نهج‌البلاغه، خ ۳۴. ۲۵) نهج‌البلاغه، خ ۱۹۲. ۲۶) علامه‌ی مجلسی در این مورد چنین می‌نویسد: خدیجه علیها السلام نخستین کسی بود که به خدا و پیامبرش ایمان آورد و قرآن را به عنوان پیام خدا گواهی نمود، با همه‌ی وجود و توان بار گران وزارت و همکاری پیامبر را به دوش کشید، و بدین وسیله خدای توانا، کار سترگ و بار گران رسالت را با همگرایی و همکاری شجاعانه‌ی خدیجه علیها السلام بر پیامبرش آسان ساخت؛ «كَانَتْ خَدِيجَةُ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ، وَ صَدَّقَتْ بِمَا جَاءَ مِنَ اللَّهِ، وَ

وَأَزْرَتْهُ عَلَى أَمْرِهِ، فَخَفَّفَ اللَّهُ بِذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... بحار، ج ۱۶/ ص ۱۰. به همین جهت پیامبر صلی الله علیه و آله، تا آخرین روزهای زندگی خدیجه علیها السلام او را یاری غمخوار، همکاری چاره‌ساز و سنگ صبور و گره‌گشا و مدبری توانمند و با معنویت و آرامش‌بخش دل خویش می‌دید. هر سخن‌گزنده و موضع‌گیری‌زننده و جسارت و اهانت و دروغ‌انگاری را - که در راه رساندن پیام خدا از تاریک‌فکران و خودکامگان و گماشتگان استبداد می‌شنید و دل‌نازنین او از اندوه آکنده می‌شد - با شریک دغدغه‌هایش، خدیجه در میان می‌نهاد و با او به بیان درد می‌نشست، و خدا به وسیله‌ی سخن و تدبیر حکیمانه‌ی آن شیر زن، درد و اندوه را از گستره‌ی دل پیامبرش می‌زدود؛ چراکه آن یار بزرگمنش، هنگامی که پیامبر را در فشار مشکلات می‌دید، با زبان و عمل سنجیده‌اش، او را به استواری و مقاومت بر می‌انگیخت، و با هم‌زمانی و همدردی از فشارها می‌کاست و با آسان شمردن کار سب‌تر، ارشاد و مدیریت معنوی جامعه و ایجاد دگرگونی مطلوب در اندیشه‌ها و عواطف، چشم‌انداز موفقیت را نزدیک می‌ساخت. و نیز می‌نوید: خدیجه وزیر راستین اسلام و مشاور خردمند و شجاع پیامبر بود، و آن حضرت به یاری او و حمایت بی دریغ و شجاعانه‌اش بر انبوه مشکلات و موانع چیره می‌شد و با مهر و صفای وصف‌ناپذیر او، آرامش خاطر می‌یافت؛ «وَكَانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيرَةً صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَشْكُنُ إِلَيْهَا عَلَيْهَا السَّلَامُ» بحار، ج ۱۶، ص ۱۱. ۲۷. طبقات ابن سعد، ج ۲، ۱۲۵؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۲؛ انساب الأشراف، ص ۵۵۲؛ الاعتقاد حافظ بیهقی، ص ۱۲۵؛ ذخائر العقبی، ص ۳۹؛ تذکره الخواص، ص ۳۱۹. ۲۸. ابوطالب، از چهره‌های فرزانه و نامدار تاریخ عرب و اسلام، در وصف او می‌گفت: «إِنَّ خَدِيجَةَ إِمْرَأَةً كَامِلَةً مِيمُونَةً فَاضِلَةً، تَخْشَى الْعَارَ وَتَحْذِرُ الشَّرَّ... وَخَطَبَهَا مُلُوكُ الْعَرَبِ وَرُؤَسَائِهِمْ وَصَيَّنَادُ قُرَيْشٍ وَسَادَاتُ بَنِي هَاشِمٍ وَ مُلُوكُ الْيَمَنِ وَأكْبَرُ الطَّائِفِ وَبَدَلُوا لَهَا الْأَمْوَالَ فَلَمْ تَزَعْجْ فِي أَحَدٍ وَرَأَتْ أَنَّهَا أَكْبَرُ مِنْهُمْ»... راستی که «خدیجه» بانویی است در اوج خرد و کمال، پربرکت و آراسته، زینده و صاحب برتری و بزرگواری و کرامت است. او به خوبی‌ها آراسته است و از هر گونه نقطه‌ی سیاه و عیب و عار جامعه و دنیای خویش سخت پاک و پاکیزه است. او در جایگاهی است که شاهان و سران عرب، دلاوران قریش و بزرگان بنی‌هاشم، زمامداران یمن و سردمداران طائف به خواستگاری او شتافتند و هر کدام بر آن شدند تا او را غرق در زر و زیور و پول و ثروت سازند، اما به هیچ یک روی موافق نشان نداد؛ چراکه او خود را از اندیشه‌ها، پیشنهادها، رفتار و کردار آنان برتر و بالاتر می‌نگریست و کسی را از نظر رشد اندیشه و درستی عمل کرد و منش مرقی هموزن خود نمی‌یافت... بحار، ج ۱۶، ص ۵۶، ۷۵. الأَنْوَارُ السَّاطِعَةُ، ص ۳۷۳. و امام صادق در مورد این پیوند و این انتخاب حکیمانه فرمود: او همان بانوی بزرگ و نوگرایی است که سالار بانوان قریش است. وی به خواستگاری زمامداران روزگارش، «نه» گفت؛ اما به خاطر کمال‌جویی و آزادگی و آینده‌نگریش خود را به همسری پیامبر در آورد، چرا که پرتوی از نویده‌های کتاب‌های آسمانی پیشین را در وصف محمد صلی الله علیه و آله شنیده بود. «وَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَقَدْ خَطَبَهَا كُلُّ صَنَدِيدٍ وَرَئِيسٍ قَدْ أَبْتَهُمْ فَرَوَّجَتْهَا نَفْسُهَا لِلَّذِي بَلَغَهَا مِنْ خَيْرِ بُحَيْرَاءَ»... قرب الاسناد، ص ۳۲۵. ۲۹. یکی از دانشمندان اهل سنت در وصف اخلاق و منش و معنویت او می‌نویسد: خدیجه علیها السلام در روزگار تیره و تاریک جاهلیت نیز - به خاطر پروا و معنویت بسیارش - پاک‌روش و پاک‌منش، یا «طاهره» خوانده می‌شد؛ «وَكَانَتْ تُدْعَى فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالطَّاهِرَةِ لِشِدَّةِ عِفَافِهَا»... زرقانی، شرح المواهب اللدنیة، ج ۱، ص ۱۹۹. و دیگری می‌نویسد: خدیجه علیها السلام در آن روزگار تیره و تاریک پاک‌روش و پاک‌منش، یا «طاهره» بود؛ «وَكَانَتْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ الطَّاهِرَةَ»... مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۱۸. الإصابَةُ، ج ۴، ص ۲۸۱. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۷. و در یکی از اسناد تاریخی در این مورد چنین آمده است: خدیجه علیها السلام در زیبایی ظاهر و باطن، زیباترین زن روزگارش بود و از نظر خرد و اندیشه و درایت و مدیریت، خردمندترین و اندیشمندترین آنان. او در پاک‌روشی و پاک‌منشی، دین‌باوری و خداجویی، وقار و حیا و عزت و آزادگی آراسته‌ترین‌ها بود و در ثروت و امکانات، ثروتمندترین آنان؛ «وَكَانَتْ مِنْ أَحْسَنِ النِّسَاءِ جَمَالًا، وَ أَكْمَلَهُنَّ عَقْلًا، وَ أَتَمَّهُنَّ رَأْيًا، وَ أَكْثَرَهُنَّ عِفَّةً وَ دِينًا وَ حَيَاءً وَ مُرُوءَةً وَ مَالًا»... ریاحین الشریعة، ج ۲، ص ۲۰۴. ۳۰. او شریک دغدغه‌های پیامبر، همراز و همدل او،

نگهبان جان او از شرارت دژخیمان، حمایتگر پرشور و آگاه او، وزیر توانا و کارآمد او از زنان و مشاور خردمند او بود، و در همه‌ی صحنه‌های پرخطر و سرنوشت‌ساز همچون: اعلام دعوت در آن فضای آکنده از تعصب و تاریک‌اندیشی، در اقامه‌ی نماز و فرهنگ آن، در دعوت نزدیکان، در بیعت با خدا و پیامبر تا پای جان، در تحمل گرسنگی و گرما و سرما و تبعیدگاه و ... همیشه و همه‌جا در کنار او بود. آن بانوی آزادیخواه در دشواری‌ها و مشکلاتی که در سال‌های پس از انگیزش محمد صلی الله علیه و آله و فرود آیات و نفی پرستش‌های ذلت‌بار و روابط ظالمانه‌ی بیدادگران حاکم برای پیامبر و مردم آزادیخواه از سوی محافظه‌کاران و مخالفان آزادی و ایمان رخ گشود، نه تنها یار و یاور پیامبر و موجب آرامش خاطر او بود، که بسان مادری پُر مهر و خردمند برای تمام مسلمان‌ها نیز مایه‌ی امید و پشت گرمی و قوت قلب و پناه و پشتیبان به شمار می‌رفت، و با شکویی قهرمانانه، تحمل و مدارای شگفت‌انگیز و پایداری شگرف و مقاومت کوه‌آسایش، سرمشق همه‌ی آزادیخواهان و توحیدگرایان بود. «كَانَتْ خَدِيجَةُ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَصَدَّقَتْ بِمَا جَاءَ مِنَ اللَّهِ، وَوَارَتْهُ عَلَى أَمْرِهِ، فَخَفَّفَ اللَّهُ بِذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ... بحار، ج ۱۶، ص ۱۰. ۳۱) بحار، ج ۱۶، ۶۹. ۳۲) بحار، ج ۴۳، ص ۱۳۱؛ الْأَنْوَارُ السَّاطِعَةُ مِنَ الْغَزَاءِ الطَّاهِرَةِ، ص ۳۷۴. ۳۳) بحار، ج ۴۳، ص ۱۳۸. ۳۴) العقد الفريد، ج ۴، ص ۱۶. ۳۵) مسد، ۳ - ۵. ۳۶) كشف الغمّة، ج ۱، ص ۵۰۹. ۳۷) بحار، ج ۲۲، صص ۱۱، ۱۶، ۱۵۲. ۳۸) بحار، ج ۱۶، ص ۱۱. ۳۹) دلائل الصّیّدق، ج ۳، ص ۶۴۵ به نقل از: الْأَنْوَارُ السَّاطِعَةُ مِنَ الْغَزَاءِ الطَّاهِرَةِ، ص ۳۷۵. ۴۰) همان مدرک. ۴۱) و این درحالی است که به گواهی آیات قرآن، برخی از زنان پیامبر - که دست بازیگر سیاست بر آن شد که پس از رحلت پیامبر آنان را برتر از خدیجه علیها السلام جا زند، در آن شرایط خانوادگی مترقی و پُر معنویت خانه‌ی پیامبر، نه تنها به این پایه از رشد معنوی و انسانی نرسیدند، که گاه به خاطر نا هماهنگی در اندیشه و منش، مورد عتاب هم قرار گرفتند و خدا به آنان هشدارها داد. در این مورد می‌توانید به آیه‌های ۱ - ۴، از سوره‌ی تحریم، و ۲۸ - ۲۹ از سوره‌ی احزاب بنگرید. ۴۲) شرح الأخبار فی فضائل الْأَئِمَّةِ الْأَطْهَارِ، ج ۳، ص ۲۲. ۴۳) تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۷. ۴۴) تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۷، «فضل النّساء». ۴۵) معجم الرّجال، ج ۲۴، ص ۲۱۵. ۴۶) دُخیل، خدیجه علیها السلام، ص ۳۲. ۴۷) فاطمة الزّهراء من المهد الی اللّحد، ۲۵. ۴۸) تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۷، «فضل النّساء». ۴۹) بحار، ج ۱۹، ص ۶۳. ۵۰) بحار، ج ۱۹، ص ۱۶. ۵۱) بحار، ج ۱۶، ص ۱۰. ۵۲) و با این اندیشه و بینش و منش مترقی است که در خانه و در آغوش مهر و فکرش دختری خداجو و بشردوست و مردمخواه، بسان فاطمه علیها السلام می‌پرورد که نمونه‌ی دگردوستی و محروم‌نوازی است؛ برای نمونه: ۱. «سلمان» آورده است که: ریحانه‌ی پیامبر را دیدم که خود به کمک آسیای دستی برای تهیه‌ی نان، دانه‌ها را آرد می‌کند و اثر کار و تلاش، بر دستانش برجای مانده است. پس از نثار درود بر او، گفتم: دخت ارجمند پیامبر! در حالی که خدمتگزار خانه‌ات در کنار شماست، چرا خود را به زحمت می‌افکنید و این کارها را به او نمی‌سپارید؟ او در پاسخ، به رهروی آگاهانه و خالصانه از پیامبر خدا توجّه داد و فرمود: «أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ الْخِدْمَةُ لَهَا يَوْمًا وَلِي يَوْمًا فَكَانَ أَمْسَ يَوْمٍ خَدَمْتُهَا وَالْيَوْمَ خَدَمْتَنِي!» بحار، ج ۴۳، ص ۷۶ عوالم، ج ۱۱، ص ۲۰۵ مجموعه‌ی ورام، ج ۲، ص ۲۳۰. پیامبر خدا به من سفارش کرد که کارهای خانه را با خدمتگزار خانه‌ام تقسیم کنم و بر اساس این تقسیم کار عادلانه و انسانی، یک روز او کارهای خانه را انجام دهد و روز دیگر من! دیروز نوبت او بود و اینک امروز نوبت من است. ۲. و نیز در این مورد آورده‌اند که روزی پیامبر به خانه‌ی دخت ارجمندش رفت و او را در حال کار و تلاش دید، اما «فضّه»، شاگرد و خدمتگزار خانه‌ی او را در حال استراحت! دلیل آن را پرسید، که فاطمه پاسخ داد: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! عَلَيَّ يَوْمٌ وَعَلَيْهَا يَوْمٌ» احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۲۷۷. ای پیامبر خدا! کارهای منزل را به گونه‌ای عادلانه تقسیم کرده‌ام که بر اساس آن، یک روز کار خانه را من انجام می‌دهم و یک روز او! چرا که ریحانه‌ی ارجمند پیامبر سبیل عدل و انصاف و آزادگی و بشردوستی در همه‌ی زندگی پرافتخار خویش بود و با آشنا و بیگانه، دوست و دشمن، توانمند و ناتوان، بر اساس عدل و داد و مهر و بشردوستی رفتار می‌کرد؛ درست همان گونه که قرآن و پیامبر و تربیت خانه و منش مترقی مام ارجمندش نشانگر آن است. ۳. و نیز از آن بانوی پرتلاش و انسان‌دوست آورده‌اند که در مورد کار و

کوشش خویش در تدبیر امور خانه و زندگی مشترک، به پیامبر خدا چنین گزارش نمود: «یا رَسُولَ اللَّهِ! لَقَدْ مَجَلَّتْ يَدَايَ مِنَ الرَّحَى، أَطْحَنُ مَرَّةً، وَ أَعْجَنُ مَرَّةً» ای پیامبر خدا! به منظور اداره‌ی شایسته‌ی امور خانه و شئون خانواده، دو دست من بر اثر گرداندن سنگ آسیا پینه بسته است، چراکه یک بار دانه‌ها را آرد می‌کنم، و یک بار خمیر، تا نان فراهم آورم. بهجة قلب المصطفی: ج ۱ ص ۲۷۴.

۴. امام صادق آورده است که: پیامبر خدا دختر فرزانه‌اش را دید که با پوشیدن لباس کار، با یک دست دانه‌ها را آسیا می‌کند و با دست دیگر، فرزندش را شیر می‌دهد. از دیدن آن منظره، باران اشک فرو بارید و فرمود: دخترم! تلخی دنیا را بجش تا شیرینی نعمت‌های آخرت را دریابی. او گفت: من خدا را به خاطر نعمت‌های بی‌کرانش سپاس می‌گویم، و آن‌گاه بود که این آیه فرود آمد که: «وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» ضحی، آیه ۵. و به زودی پروردگارت آن‌قدر نعمت ارزانی‌ات دارد که شادمان گردی.

بحار، ج ۴۳، ص ۸۶؛ عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۲۶۷؛ نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۹۵. ۵۳) او در مورد خاندان پیامبر کتاب‌هایی نوشته است، که از جمله: حقوق اهل بیت؛ خدیجه علیها السلام همسر پیامبر، و فاطمه علیها السلام دختر پیامبر، ترجمه‌ی سه عنوان از سه کتاب اوست. ۵۴) نقل به مضمون از سفرنامه‌ی استاد سبحانی، سیمای فرزندگان: ص ۳۶۲. ۵۵) آنها فاطمة الزهراء علیها السلام، ص ۱۱۴. ۵۶) سیما و سیره‌ی ریحانه‌ی پیامبر، ص ۸۶ از همین قلم. ۵۷) امالی طوسی، ج ۲، ص ۸۲. ۵۸) فاطمة الزهراء من المهد الى اللحد، ص ۲۵. ۵۹) نساء محمد صلی الله علیه و آله، ص ۳۸. ۶۰) برخی عمر آن دختر هوشمند و پاک‌منش را میان ۲۸ تا سی سال نوشته‌اند، اما مشهورترین دیدگاه آن است که او به هنگام ازدواج با پیامبر، چهل بهار از عمرش می‌گذشت. برخی بر آنند که وی پیش‌تر ازدواج کرده و همسرش از دنیا رفته بود، اما آخرین پژوهش‌های تاریخی و حدیثی بر آن است که وی دوشیزه و سی ساله بود. فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، ۱۴۰. ۶۱) دکتر سعیده کرمی، نسیم بهشت، ص ۴۷. ۶۲) تذکرة الخواص، ج ۲، ص ۳۰۰ - ۳۰۲. ۶۳) بحار، ج ۱۶، ص ۲۲. ۶۴) بحار، ج ۱۶، ص ۲۲. ۶۵) سیره‌ی ابن هشام، ج ۱، ص ۱۵۸؛ کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۴. ۶۶) تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۷. ۶۷) بحار، ج ۱۶، ص ۱۴۸؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۷۲؛ سیره‌ی ابن هشام، ج ۱، ص ۱۸۷. ۶۸) سفینه البحار، ج ۲، ص ۷۲۵، واژه‌ی «هند». ۶۹) تنقیح المقال، ج ۳، ص ۳۰۵؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۷۱. ۷۰) در زاهدان. ۷۱) غرر الحکم، ج ۲، ص ۷۶. ۷۲) فروغ آسمان حجاز، خدیجه علیها السلام، ص ۱۷. ۷۳) «وَأَشِعِرْ قَلْبَكَ الرَّحِمَةَ لِلرَّعِيَةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَمَا بَنَاهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخْ لَمَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَمَكَ فِي الْخَلْقِ» ... دلت را کانون مهر مردم ساز و با آنان با مهر و بشردوستی رفتار کن؛ مباد نسبت به آنان بسان درنده‌ای خون‌آشام باشی که خوردنشان را غنیمت شماری، چرا که آنان دو دسته‌اند: یا در دین با تو برادر و خواهرند و یا در آفرینش با تو برابرند؛ نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳. ۷۴) سازمان و مدیریت، انتشارات دانشکده‌ی علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، چاپ هفتم ص ۱. ۷۵) فروغ آسمان حجاز خدیجه ۳، ص ۲۵ از همین قلم کتاب برگزیده‌ی سال ۸۴. ۷۶) بحار، ج ۴۳، ص ۱۳۰ به نقل از: فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، ص ۲۵۹ از همین قلم. ۷۷) تحریم، آیه ۱۱. ۷۸) تحریم، آیه ۱۲. ۷۹) نهج البلاغه، خ ۱۹۲. ۸۰) طبقات ابن سعد، ج ۲، ۱۲۵؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۲؛ انساب الأشراف، ص ۵۵۲؛ الاعتقاد حافظ بیهقی، ص ۱۲۵؛ ذخائر العقبی، ص ۳۹؛ تذکرة الخواص، ص ۳۱۹. ۸۱) خدیجه علیها السلام در زیبایی ظاهر و باطن، زیباترین زن روزگارش بود و از نظر خرد و اندیشه و درایت و مدیریت، خردمندترین آنان. او در پاک‌روشی و خداجویی و وقار و حیا و عزت و آزادگی، آراسته‌ترین‌ها بود و در ثروت و امکانات، ثروتمندترین آنان؛ «وَكَاثَتْ مِنْ أَحْسَنِ النِّسَاءِ جَمَالًا، وَ أَكْمَلَهُنَّ عَقْلًا، وَ اَتَمَّهُنَّ رَأْيًا، وَ أَكْثَرَهُنَّ عِفَّةً وَ دِينًا وَ حَيَاءً وَ مُرُوءَةً وَ مَالًا» ... ریاچین الشریعة، ج ۲، ص ۲۰۴. ۸۲) فاطمة الزهراء من المهد الى اللحد، ص ۲۵. ۸۳) بحار، ج ۱۹، ص ۶۳. ۸۴) بحار، ج ۱۹، ص ۱۶. ۸۵) بحار، ج ۱۶، ص ۱۰. ۸۶) تذکرة الخواص، ج ۲، ص ۳۰۰ - ۳۰۲.

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد ها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با ده ها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۲۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-

۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شب: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰-۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

فائمه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹